

افغان مینې مارکیټ عرضه کوننده
انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ
که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند
6566 Backlick Rd. Springfield. VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313



در امریکانز
\$1.50

شماره ۱۰۸۶

بسم خدا

هفته نامه مردم افغانستان

شماره ششم / سال سی و یکم / ۳۰ سنبله ۱۴۰۰ / ۲۱ سپتمبر ۲۰۲۱ / شماره مسلسل ۱۰۸۶

تا پرچم عشق حق برافراخته ایم / از مخمل خون به تن کفن ساخته ایم
ما مفت نه سهم می بریم از خورشید / دامن دامن ســـــتاره پرداخته ایم

قهار عاصی شهید

استاد سید مسعود / عشق آباد - ترکمنستان

ماین گذاری ها در افغانستان

در بیست سال اخیر صرف نظر از سال های پیشین آن ماین های هولناکی از جانب سیاستمداران عرصه بازی های افغانستان بروی راه یکدیگر چیده اند.

در این راستا، مثلث (خلیلزاد، حامد کرزی، اشرف غنی - احمدزی) حرکات سیاسی ماین گونه را در پیش گرفتند. همه حادثات هولناک محصول رقابت ناسالم این مثلث بوده است. برای اینکه قصه به درازا نکشد، ماین گذاری های یکی دو سال نزدیک را ماین پالی می کنیم.

- حامد کرزی پیشگام صلح کنونی در افغانستان است، برای رسیدن به این هدف علاوه از آنکه با خارجی تماس نزدیک در مورد این موضوع گرفت، با طالبان قرار های می بست و آنان را از دایره دشمن بیرون کشید و برادر خواند، سیاست را که داکتر نجیب الله در پیش گرفت و مجاهدین را برادران ناراضی می خواند. کرزی با عملیات شبانه مخالفت کرد و سیاست نرم را پیشه گرفت، در مقابل پایگاه های امریکایی مقاومت کرد با وجودی که حضرت مجددی از ایشان دلگیر شدند.

اولویت کرزی عامل داخلی بود و عامل خارجی رمانندیک وسیله حمایتی می پنداشت. سیاست مدارا و برادر گونه با طالبان برای حکومت بعدی ماینی بود که باید از آن سالم بدر می شد، او خیال قهرمان صلح شدن و گرفتن جایزه صلح جهانی یا حداقل یک مدال امریکایی بود. این یک ماین برای حکومت بعدی بود.

- داکتر اشرف غنی (احمدزی) نیز برای رسیدن به صلح حرکت های انجام داد، از هند محوری گذشت و با پاکستان نزدیک شد، اعراب را در دایره اول سیاست خود قرار داد، سفر های انجام شد.

ترامپ جنگ افغانستان را بیهوده خواند و داکتر خلیلزاد را که اولین سفیر امریکا در افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر، سفیر امریکا در عراق و نماینده امریکا در شورای امنیت مال متحد کار کرده بود ماموریت داد تا راه های قطع جنگ را جستجو کند و با طالبان وارد مذاکره شود.

مهره دوم مثلث بعد از حامد کرزی حرکت کرد تا جایزه صلح نوبل را در آغوش کشد، رفت و آمد زیاد انجام داد، تعهدات گرفت و تعهدات داد و با طالبان قرار داد بست و اعلام بیرون رفت امریکارا از تریبون ترامپ بیرون کشید،

ترامپ بروی بایدن ماین کاشت تا از این راه پر خطر جان به سلامت ببرد.

داکتر غنی احمدزی با پیشنهادات و راهکرد های او مخالف بود، او می خواست خود پیشگام صلح با طالبان باشد و در حاکمیت خودش طالبان را در آغوش گیرد، کرزی نیز دست بردار نبود و او که خود را آغاز گر پروسه صلح می دانست، هر حرف را در این راه از پیش بر میداشت (هنوز هم ادعاهای در مورد کشته شدن استاد ربانی وجود دارد)، داکتر سینتادراین راستا او را یاری میکرد.

به این صورت سه راهکار از جانب سه ضلع مثلث در زمین افغانستان پیاده شد که هر راهکار برای دیگری ماین مخوف شمرده می شد.

حامد کرزی با تعداد زیاد از آدم ها روسیه رفت و دوحه و در تلاش نقش مرکزی بود، که تا اندازه به آن موفق بود.

خلیلزاد حرکت امریکا را مهندسی می کرد و دو ضلع مثلث ناخشنود از حرکت او، خلیلزاد به جایزه صلح نوبل و جایزه صلح واشنگتن خود را نزدیک می ساخت، کرزی و داکتر اشرف غنی (احمدزی) ناخشنود از حریف.

- داکتر غنی احمدزی هنگامی که به این نتیجه رسید که کار از کار گذشته است، دست به ماین گذاری برای چهار عامل در درون و بیرون از افغانستان زد، این ماین ها بسیار سهمگین اند.

قطعنامه افغانستانی های واشنگتن و حومه

به تاریخ ۱۲ سپتمبر ۲۰۲۱ به مناسبت هفته شهید و بیستمین سالگرد شهادت شخصیت بزرگ جهاد و مقاومت مردم افغانستان شادروان احمد شاه مسعود قهرمان ملی (رح) گردهمایی باشکوهی به اشتراک بیش از یک هزار تن افغانستانیهای مقیم واشنگتن دی سی، ورجینیا، مرلند، نیوجرسی و نیویارک در چری بلاسم بنکویت هال شهرسترنگ ورجینیا دایر گردید، و در پایان آن این قطعنامه به تصویب رسید:

* از آنجا که جامعه جهانی در سالهای ۱۹۹۰ افغانستان را در معرض رقابت همسایگان تنها گذاشت و گروه تروریست طالبان افغانستان را به کمک نظامیان پاکستان اشغال کرده، مکان امنی برای گروههای تروریست چون القاعده فراهم کردند، که منجر به حادثه غم انگیز ۱۱ سپتمبر شد؛

* از آنجا که پاکستان بحیث مکان امن برای باندهای تروریست به حمایت از تروریستان ادامه داد، اما جامعه جهانی برین اعمال ضد انسانی طالبان و نظامیان پاکستان چشم پوشی کرد؛
* از آنجا که حرکت طالبان به کمک مستقیم سازمان استخبارات نظامی پاکستان حکومت منتخب افغانستان را به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱ سرنگون کرد و باز هم از جامعه جهانی صدای اعتراضی بر نخواست؛

* از آن جا که طالبان تروریست به شکنجه و حبس و کشتار شهروندان عادی و اعدام های غیرقانونی و تصفیه های قومی در مناطق مختلف افغانستان، از جمله پنجشیر، اسپین بولدک، گیزاب و سایر مناطق دست برده اند، و جامعه بین المللی همچنان خاموش و بی تفاوت نشسته است؛

* از آنجا که جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود، به غرض نجات کشور از استبداد و تجاوز و احیای دموکراسی، حقوق بشر، آزادی زنان، آزادی بیان و رسانه ها و تقسیم عادلانه قدرت میان همه اقوام و اقشار مردم از محبوبیت و حمایت مردم افغانستان برخوردار هست، و از نظر اکثریت ملت یگانه بدیل اداره سفاک و وحشی طالبان به حساب می رود، روی همین دلایل، شاملان این گردهم آیی تقاضای ذیل را به تصویب رسانیدند:

۱- جامعه بین المللی اداره اپارتاید و وحشی طالبان را نباید به رسمیت بشناسد و تحریم ها از ایشان نباید برداشته شود. به فرماندهان و جنگ سالاران طالبان که مرتکب نسل کشی، قتل های دسته جمعی، تصفیه های قومی و کوچ اجباری و دیگر جنایات جنگی شده اند، باید شناسایی و به پنجه عدالت سپرده شوند.

۲- ایالات متحده و اتحادیه اروپا باید دارایی ذخیره ارزی افغانستان را تا ایجاد حکومت قانونی در افغانستان به حالت منجمد و دور از دسترس طالبان نگهدارند.

۳- جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود باید مورد حمایت سیاسی، نظامی و مالی قرار گیرد.

۴- سازمان ملل باید بصورت فوری هیئتی را جهت تحقیق و بررسی قتل عامها و اعدامهای فراقانونی و کشتار زندانیان جنگ و تصفیه های قومی به افغانستان بفرستد.

۵- شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوبه یی در محکومیت تجاوز صریح نظامیان پاکستان به افغانستان و دخالت در امور این کشور صادر نموده، تحریم هایی در برابر دستگاه نظامی پاکستان اعلام نماید. /

۱- ماین برای طالبان؛ با برآمدنش از کابل استعفا نداد و دولت را نیز به طالبان انتقال صلح آمیز نکرد و طالبان را همانطور

تاریخچه طبابت در افغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب توأم دارد، و کتاب تازه با عنوان «ابن سینا» اثر داکتر غلام محمد دستگیر تازه چاپ شده، علاقمندان و دوستان کتاب غرض خرید کتابها به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.
اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۴۰۶۰

امریکا به ایمیل ادرس
dastageer2008@hotmail.com
لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۴۷۴

بزرگداشت باشکوه از قهرمان ملی افغانستان (رح) و روز شهید

روز ۱۲ سپتمبر ۲۰۲۱ جهت تجلیل از هفته شهید و شخصیت بی نظیر وارجمند غازی احمد شاه مسعود شهید قهرمان ملی گردهمایی شکوهمندی در چری بلاسم بنکویت هال شهرسترنگ ورجینیا برگزار شد، که در آن افزون از یک هزار وطندار مقیم واشنگتن دی سی، ورجینیا، مرلند، نیوجرسی و نیویارک حضور یافتند.

نخست محمد قوی کوشان از فضیلت آب قاری عبدالولی مبارک امام مسجد مصطفی تمنا کرد تا محفل را با آیات کلام الله مجید گشایش بدهند. جناب قاری پس از تلاوت آیات کریم، راجع به اوضاع ناگوار جاری در وطن و وظیفه افغانستانی های مهاجر در سراسر گیتی در برابر چنین حالات بیان کردند. پس از آن سرود ملی مقاومت و سرود ملی جمهوری اسلامی در سلاید شوی کوتاه فراز هایی از فرموده های آمر صاحب شهید پخش گردید. کوشان حضار را خیر مقدم گفته و در بیانیه مختصری خصایص و خصلت های گرمای قهرمان ملی را در (واقع بینی دردیانت - صلح دوستی - طرد برتری جویی قومی و گسترش عدالت اجتماعی و برابری میان باشندگان کشور - میهن دوستی و علم پروری) شرح داد و در ختم کلامش به روان جمیع شهدای جهاد و مقاومت ملی اول و دوم، از جمله استاد برهان الدین ربانی، آمر صاحب شهید، جنرال ها داؤود، سیدخیلی، عبدالودود و دیگران، درود و دعا کرد و در پایان مؤفقت آمر صاحب جوان احمد مسعود و همزمانش را از بارگاه رب العزت استدعا نمود.

پس اداره محفل را به خانم عطیه مهربان سپرد. بانو مهربان با کلمه اشعار ملی و حماسی و نقل قولهایی از قهرمان ملی، به ترتیب سخنرانان را به ستیز فراخواند. خانم یحیی روشنی، خانم فرحناز فروتن، داکتر فرشید حکیم یار، داگلاس مکنزی فرزند ریچارد مکنزی، رحمت الله امیر، بانو مریم شجاع، خانم سوره ستوده شجاع، آقای بونیت Bonnet کانگرسمن سابق و فعال سیاسی در واشنگتن دی سی، آقای سنگه ژورنالیست مشهور هندوستانی، علی میثم نظری سخنگو و نماینده روابط بین المللی جبهه مقاومت ملی، و عبدالهادی نجرابی. پروفیسر داکتر لطیفی و داکتر غلام محمد دستگیر نسبت مریمی نتوانستند مطالب تهیه شده خویشتن را شخصاً در محفل ارائه بدارند و تقدیم سخنرانی آقای زلگی سجاد جنرال قونسل افغانستان در نیویارک که نام و حضورشان توسط مدیر هفته نامه امید در آغاز محفل یاد شد، نسبت ضیق وقت صورت نگرفت. محفل با تلاوت آیاتی از قرآن مجید توسط آقای عبدالرسول صابری پایان یافت.

این گردهمایی شکوهمند از ساعت یازده صبح تا ساعت سه جاشت ادامه داشت، و حضار با صرف نان جاشت ساعت چهار عصر سالون راترک گفتند. آقایان حاجی محمد عمر شجاع، ناصر شجاع و شیر شجاع بنکویت هال شان را در اختیار محفل گذاشته و نان مفصل و متنوعی تهیه کرده بودند، که اسباب شکران کمیته برگزاری محافل بزرگداشت قهرمان ملی آمر صاحب شهید را بار آوردند. /

یک گروه نظامی باقی گذاشت، طالبان تا هنوز نتوانسته اند مانند دولت تبارز کنند و نمی توانند امارت باشند.

۲- ماین برای معاونین بخصوص امرالله صالح؛ او با برآمدنش فرمان جانشینی صادر نکرد و معاون اول نتوانست حتا یک ساعت به کرسی ریاست جمهوری تکیه زند.

۳- ماین برای مجاهدین و مارشال دوستم و مخالفین که سال ها او را فشار داده بودند. او با برآمدنش مجاهدین و مارشال دوستم را مستقیماً در برابر طالبان قرار داد که دارای روحیه برتر بودند، آنان مجبوراً راه های بیرون شدن از کشور را جستجو کردند.

۴- ماین برای طالبان؛ طالبان (دنباله در صفحه هشتم)

عبدالقدیر فطرت

شنتلی، ورجینیا

آیا افغانستان یک کشور اشغال شده است؟

در بیست و پنج سال اخیر، افغانستان برای دومین بار استقلال سیاسی خود را از دست داده است. با وجودیکه امریکا و ناتو حدود بیست سال در افغانستان باقی ماندند و حتی کنترول حریم فضایی افغانستان را نیز در دست داشتند، هیچگاهی در مسایل مربوط به روابط خارجی افغانستان به صورت صریح مداخله نکردند. حکومت‌های کرزی و غنی احمدزی هر دو با تمام همسایگان افغانستان و کشورهای هابی که دوستان عنعنوی افغانستان بودند بدون اندکترین فشار امریکا و ناتو روابط سیاسی، اقتصادی و تجارتي برقرار نمودند. با وجودیکه امریکا دشمن آشتی ناپذیر ایران به شمار می رود، هیچگاه مانع روابط ایران و افغانستان نگردید و ایران و افغانستان توانستند در همه عرصه ها به همکاری های خود ادامه داده و حتی آن را توسعه بدهند.

اما با به قدرت رسیدن دوباره طالبان در پانزدهم آگست سال ۲۰۲۱، افغانستان بار دیگر استقلال سیاسی و حتی اقتصادی خود را از دست داده و مجبور است که در ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری خود با همسایگان، دوستان عنعنوی افغانستان و قدرت های اقتصادی جهان نخست با اسلام آباد مشوره نماید و پس از تایید اسلام آباد تصمیم لازم بگیرد. رژیم طالبان نظر به وابستگی های سیاسی، نظامی و اقتصادی که به سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) دارد، بعید به نظر می رسد که با دوستان عنعنوی افغانستان نظیر هندوستان دوستی دراز کند و حتی در مورد استمرار روابط بازرگانی میان دو کشور که حجم آن در سال های اخیر به ۱.۴ میلیارد دالر بالغ می گردید، تصمیم اتخاذ نماید.

طالبان چاره یی ندارند جز اینکه به صورت یک جانبه به پاکستان اجازه دهند که مال التجاره خود را از طریق افغانستان به آسیای مرکزی و ماورای قفقاز انتقال بدهد اما ایشان هرگز جرات نخواهند کرد که به خاطر تامین مصالح تجار افغانستان به پاکستان پیشنهاد نمایند که به افغانستان اجازه بالمثل دهد که مال التجاره خود را از طریق بندر واگه به هندوستان انتقال بدهد. این یک خط قرمز به پاکستان است و طالبان هیچ گاهی جرات عبور از این خط قرمز را نخواهند کرد.

طالبان در اولین اقدام سیاسی شان اعلان نمودند که نمی خواهند روابط سیاسی و تجارتي شان را با هند ادامه بدهند. در این روز ها وزیر خارجه پاکستان به نمایندگی از طالبان مصروف دیپلماسی با کشورهای همسایه افغانستان و قدرت های اقتصادی منطقه از جمله چین و روسیه بوده و به طالبان دیکته می کنند که به برنامه کمر بند و راه چین بپیوندند. پاکستان خود از ناحیه پیوستن به برنامه کمر بند و راه مبلغ ۶۰ میلیارد دالر از چین مقروض گردیده و بسا پروژه های شامل این برنامه از جمله بندر گوادر قطعاً به اهداف اقتصادی خود نایل نشده است. گفته می شود که چین می خواهد تجربه سریلانکا را در پاکستان تکرار نموده و روزی کنترول بندر گوادر را در دست بگیرد، و از آن به عنوان یک پایگاه بحری استفاده کند.

هدف پاکستان از کشانیدن پای رژیم طالبان به برنامه کمر بند و راه این است که اکنون پس از پیروزی طالبان تمام مجراهای کمک های اقتصادی به افغانستان بسته شده و اقتصاد افغانستان در معرض سقوط کامل قرار گرفته است و پاکستان به تنهایی توان این را ندارد که حتی معادل ۵ فیصد کمک های اقتصادی را که افغانستان سالانه از جامعه جهانی دریافت می کرد در اختیار افغانستان بگذارد. در حال حاضر پاکستان خوب می داند که مسئول درجه یک تمام عواقب بحران اقتصادی در افغانستان هست کما اینکه پاکستان مسئول همه خرابی ها و ویرانی های زیر ساخت های افغانستان در بیست سال گذشته پنداشته می شوند. پاکستان نمی خواهد که در دراز مدت بار سنگین این ملامتی را بدوش بکشد و لهذا تصمیم دارد که طالبان را بدون کمترین فرصت تامل و پلان گذاری بدام اژدهای اقتصادی چین بیندازد. قرضه های چین اکترا با نرخ بهره بالا و شرایط بسیار سخت و کمر شکن همراه بوده و معنی آن گیر ماندن افغانستان در تار عنگبوتی چین خواهد بود و این اقدام سرنوشت افغانستان را به سرنوشت سریلانکا مواجه خواهد ساخت. متأسفانه طالبان حتی یک شخصی نیمه متخصص هم در امور اقتصادی ندارند که به ایشان مشوره بدهد که معنی این همه وابستگی ها به چین و پاکستان چه است و سرنوشت اقتصادی کشور (دنباله در ستون سوم)

سید اسحاق شجاعی

فرارهای شرم آور خوشایند

حوادث یک ماه اخیر کشور آن قدر زیاد است که طی یک هفته می توان از آن ها یک کتاب نوشت؛ این حوادث پیامدهای سخت و سنگین و خوشایند و ناخوشایند بسیاری برای مردم و کشور افغانستان خواهد داشت که ممکن است سال های سال ادامه یابد. بسیاری از صاحب نظران نسبت به حوادث اخیر خوش بین نیستند و بنده نیز از همین جمع هستم و در فرصت دیگری به تحلیل آن می پردازم؛ اما گمان می کنم حوادث اخیر برای کشور و مردم جنبه های مثبتی نیز داشته است که نمی توان به سادگی از کنار آن ها گذشت. از باب نمونه به سه فراری می پردازم که در روزهای اخیر رخ داده است؛ این فرارها برای فراریان شرم آور و اما برای مردم خوشایند بوده است.

۱- فرار شرم آور شیطان بزرگ! شکست مفتضحانه امریکا در افغانستان و فرار شرم آور کشورهای غربی، به خصوص شیطان بزرگ حادثه خورد و کم اهمیتی نیست. اگر ۲۰ سال پیش بسیاری از مردم، به تهاجم نظامی، سیاسی و فرهنگی امریکا به افغانستان با عینک خوش بینی می دیدند، در ده سال اخیر، این خوش بینی ها را باد برده بود.

به ویژه در یکی دو سال اخیر، تقریباً تمام مردم افغانستان شکست و خروج امریکایی ها را آرزو می کردند. دیگر همه می دانستند که امریکا برای رسیدن به منافع شیطانی خود با گروه های تروریستی معامله می کند و پروژه داعش را کلید زده است. ۲۰ سال پیش، ایالات متحده از یک طرف به بزرگ نمایی گروه های تروریستی خارجی و داخلی پرداخت و چنین القا کرد که تنها امریکا و متحدانش می توانند شراین گروه ها را از سر افغانستان و جهان کم کنند. از جانب دیگر با وعده تأمین امنیت، صلح، توسعه و پیشرفت اقتصادی و ... مردم را فریب داد و به افغانستان لشکر کشید.

پس از ۲۰ سال آشکار شد که همه سراب بود و فریب؛ امریکا و فاحشه اش خلیل زاد، از پشت به مردم افغانستان خنجر زدند. حکومت جدید باید جلوی نفوذ پیدا و پنهان امریکا و متحدانش را در افغانستان جداً بگیرد.

۲- فرار شرم آور حاکمان فاسد! پایه و مایه حکومت های ۲۰ ساله کرزی و غنی احمدزی بر دروغ، فریب و فساد غربی ها گذاشته شده بود. ارباب های غربی از بالا به آن ها دروغ می گفتند و آن ها به مردم دروغ و فریب می فروختند.

درین ۲۰ سال یک حلقه کوچک در اطراف کرزی و احمدزی، همان اژدهای جهنم شده بودند که هرچه صدقه و کمک از جهان غرب و عرب می آمد، شکم این چند نفر پر نمی شد؛ بانک های دبی و قطر و فرانسه و انگلیس از ثروت آن ها لبریز شده بود؛ اما آن تا آخرین لحظه فریاد «هل من مزید» می زدند. غارت معادن و ثروت های ملی و کمک های غرب که سیر شان نکرد سرانجام کشور را هم فروختند و خود با طیاره های پر از دالر فرار کردند.

حکومت جدید اگر در بند عزت افغانستان و مردم آن است و اگر به خواست مردم توجه می کند باید غنی احمد زی و یارانش را به کشور باز گرداند و محاکمه و مجازات کند و ثروت های دزدیده شده را نیز به ملت برگرداند.

حامد کرزی، عبدالله و گلبدین نیز نسبت به کارنامه ۲۰ ساله خود باید پاسخ بدهند.

۳- فرار شرم آور رهبران خاین! جالب ترین حادثه روز های اخیر فرار رهبران قومی، فاسد، خاین، نالایق، بزدل و پول پرست بود. بدون تردید بر طرف شدن سایه سربی آنان از سر مردم نعمتی است که خداوند به این مردم ارزانی داشته است.

این عناصر سبک سیر بیش از سه دهه بر گرده مردم افغانستان سوار بودند و تمام دار و ندار کشور را تصاحب کردند و به بانک های خارج انتقال دادند؛ در همان حال برای طولانی کردن عمر سیاسی خود با شعار های قومی، مردم را فریب می دادند.

اکنون که طالبان می گویند حکومت همه شمول تشکیل می دهند، لازم است بدانند این رهبران بادیکی هیچ اعتباری در نزد مردم ندارند و نمی توانند از مردم افغانستان نمایندگی کنند. عناصر پاک و با تجربه و دانا در میان اقوام مختلف کم نیستند که در حکومت همه شمول سهم بگیرند، و برای کشور خدمت کنند.

این که حوادث اخیر در نهایت به کدام سمت می رود و به نفع مردم و کشور افغانستان می انجامد یا به ضرر آن ها، مربوط می شود به سیاست ها و رفتار حاکمیت و حاکمان جدید؛ اما با قاطعیت می توان گفت این سه فرار شرم آور به نفع کشور و مردم می باشد و باید خدا را بر آن شکر کرد /

دویادداشت

از داکتر سیدمخدوم رهین

مسعود بزرگ! روانت پرنور باد، ای شاهباز قله های شامخ هندو کش و البرز، مردی بودی چون پهلوانان عصر اساطیر، ولی چه خوش در دل تاریخ جا گشودی. هر کی را فضیلتی است، رهرو راه تو خواهد بود. (۹ سپتمبر)

احمد مسعود! ترا می ستایم، شهامت را، همتت را، پاکی دست و دامانت را و فداکاری ات را، تو هم بسان پدر، تاریخ ساز آمدی. تو تجسمی از همه پاکبازان تاریخ رنگین سرزمین و ملت ماستی و نمادی از شکوه برافراخته و گردن فراز هندو کش و البرز. یزدان پاک نگهدارت و پیروز مندی بدرقه راهت. (۱۱ سپتمبر ۲۰۲۱، وودبریج، ورجینیا)

(دنباله از ستون اول)

را به کجا خواهد کشانید.

تا کنون افغانستان بیشتر از ۹۵ درصد کل کمک های دریافت شده را به صورت مجانی و بلا عوض بدست آورده است. ۵ در صد باقی مانده هم که از جانب صندوق بین المللی پول و بانک انکشاف آسیایی به افغانستان اعطا شده است نیز قروض سهل شرایط بوده و نرخ بهره آن کمتر از یک درصد می باشد.

خلاصه، آینده افغانستان خیلی تاریک و مبهم به نظر می رسد و متأسفانه رژیم طالبان کفایت و درایت آن را ندارد که کشور را در مسیر درست سوق دهد. وابستگی دوامدار کشور به پاکستان و چین به گودالی می ماند که خروج از آن برای افغانستان مستحیل به نظر می رسد.

فرید نعیمی

واشنگتن دی سی

بچه سلیمان نالایق دروغ می گوید

بچه سلیمان نالایق با نام «غری» نالایق پس از آن که نتوانست گناه غیر قابل بخشایش فراری بابی دزد، خاین و وطن فروشش را «اشرف غنی احمدزی» (نواسه وطن فروش انگلیس پرور و خاین ملی ونوکر معروف انگریز خونریز، را توجیه کند، به طرف سنگر پر افتخار پنجشیر دهن انداخت، و ادعا کرد که گویا با شکست پنجشیر، داعیه تجزیه افغانستان شکست خورد!

هیچکس نیست که از او بپرسد که به چه دلیلی مبارزه قهرمان ملی و جنبش بزرگ آزادی خواهی امروز شیرمردان پنجشیر را داعیه تجزیه افغانستان گفته است؟ او که منافقت و رذالت را از پدر نالایقش به ارث گرفته، کور بود و ندید که بزرگان همه اقوام افغانستان در کنار مسعود بودند، از حاجی قدیر شهید تا مرحوم مولوی نقیب الله قندهاری و دیگران.

کدام حرکت قهرمان ملی کشور ما و یارانش تجزیه طلبانه بود؟ اگر آنان تجزیه افغانستان را می خواستند، این کار برای شان مشکل نبود، مثلاً مارشال عبدالرشید دوستم به آسانی می توانست شمال را مستقل اعلان کند، امیر محمد اسماعیل خان می توانست تمامی حوزه غرب را مستقل اعلان کند، اما هیچ یک از آن بزرگان به چنین کاری مایل نبودند و به تمامیت افغانستان فکر می کردند.

نمی دانم که غری بچه سلیمان نالایق به راستی اولاد آن نالایق است؟ یا یادگار یکی از مشاوران روسی که تانیمه شب ها با نالایق در خانه او محفل شراب نوشی داشتند؟ و نام آن مشاور را بعضی ها «گسپدین غر» گفته اند! یعنی نام این نابکار «غری» به معنای واقعی کلمه شمرده شده است!!

سلیمان نالایق ملعون در دامن کارمل صاحب آدم شد، اما رهبرش را از پشت خنجر زد. پس از آن که در حکومت داکتر نجیب الله موقعیت یافت، چنان با پستی و منافقت او را از پای در آورد که بیچاره اش کرد!

در حقیقت قاتل اصلی داکتر نجیب هم، همان نالایق بود، که حکومتش را آنقدر با شیطنت هایش متزلزل ساخت تا از پا افتاد.

غری نطقه حرام بازمانده از نالایق «مقاومت زودگذر پنجشیر را پشتون ستیزی موزیانه» می داند، و تا آن جا پیش می رود که از «حقارت تاریخی سلاله های مهمان در سرزمین افغان» یاد می کند. یعنی دیگر اقوام کشور را در سرزمین افغان مهمان یعنی بیگانه می خواند.

او خوب می داند که این اقوام هزاران سال در این کشور تاریخ دارند، اما نیت پلیدش در حق اقوام کشور او را به این دروغگویی بزرگ می رساند. پدر کلان خود او، پدر نالایق، ملای گدایی از ناقلین پلخمیری بود.

وقتی نوشته بچه سلیمان نالایق را خواندم، بی اختیار گفتم: تُف بر تو دروغگو و آتش در گور کثیف آن نالایق که ترا پرورش داده است! /

Maaid Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 –7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول: محمّدقوی کوشان

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کلورادو موافقتنامه برای آوردن صلح در افغانستان

بین امارت اسلامی افغانستان که توسط ایالات متحده بحیث دولت شناخته نشده چون طالب معروف است.
ادارهٔ جریده : مقالهٔ ذیل را همکار دانشمند امید، جناب داکتر دستگیر پنج ماه پیش نوشتند ودر همان زمان به چاپ رسید . باتوجه به اوضاع فعلی کشور، بازنشر آن لازم و روشنگر روابط امریکا وطالبان تشخیص داده شد، زیرا بخشهای اعلان شدهٔ آنرا همگان مطالعه کرده اند، امابخشهای پنهان قرار داد (خلیلزاد +ملابردر+آی اس آی) کمتر افشاشده، ودراین نگارش تحقیقی این بخش روشنتر شده است.

موافت نامۀ جامع صلح در چهار جزء تقدیم گردیده است.

۱- تخنیک ضمانت ها و طرزالعمل، که هرگاه گروهی یا فردی به ضد امنیت امریکا و متحدینش از خاک افغانستان فعالیت نماید، وقایه به عمل خواهد آمد.

۲- تخنیک ضمانت ها و طرز العمل، برای اعلان یک آجندائی که خروج همه قوای خارجی را از افغانستان در برداشته باشد.

۳-بعداز اعلان ضمانت ها برای خروج مکمل قوای خارجی و آجندای آن در محضر شاهدان بین المللی، تضمین و اعلان در حضور شاهدان بین المللی که : خاک افغان به ضد امنیت اضلاع متحده و متحدین او استعمال نخواهد شد، امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، مذاکرات بین الافغانی را با جوانب افغان به ۱۰ مارچ ۲۰۲۰م، ۱۵ رجب ۱۴۴۱ ه ق و ۲۰حوت ۱۳۹۸ ش ه شروع خواهند نمود.

۴-آتش بس دایمی و جامع، یک فقره در آجندای دیالوگ و مذاکرات بین الافغانی خواهد بود.مشمولین مذاکرات بین الافغانی تاریخ و چگونگی آتش بس جامع و دایمی را بحث خواهند کرد. میحائیکیت های طرزالعمل مشترک، نیز شامل بوده که همزمان با موافتت و تکمیل پروگرام های وسیع راجع به آیندهٔ سیاسی افغانستان، اعلان خواهد شد.

چهار جزئی که در بالا ذکر یافت، با یکدیگرارتباط بین البینی داشته هرکدام به اساس آجندای ترتیب یافته و فقرات توافق یافته اجرا خواهند شد. موافتت در دو جزء اول جهت را بسوی دو اجزای اخیرتعیین خواهد کرد.

ذیلاً متن موافقه برای طرزالعمل اجزای اول و دوم است که در بالا بیان شد.

هر دو طرف موافقه نموده اند که بین این دو اجزاء ارتباط بین البینی وجود دارد. مسؤولیت امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته شده و چون طالب معروف است، درین موافتت نامه به ساحه های تحت کنترل شان تا زمان تشکیل حکومت جدید اسلامی افغان «بعد از موافقۀ رسمی میلان به حل منازعات ویامناقشات» (Post – settlement) قسمیکه در دیالوگ و مذاکره بین الافغانی رای داده شد، تطبیق میگردد.

جزء اول : اضلاع متحده متعهد است که تمام قوای نظامی خودش ، متحدینش، شرکای ائتلاف، بشمول تمام پرسونل ملکی غیر دیپلوماتیک، قرار دادی های امنیتی که شخصی اند، تربنرها، مشاورین و پرسونل های خدمات حمایوی را در ظرف ۱۴ ماه بعد از اعلان این موافتت نامه از افغانستان خارج نموده اقدامات ذیل را درین باره اتخاذ میکنند:

الف: (درین قسمت متن انگلیسی بی نظم میشود و H.A. در جزء اول بدون اینکه توضیح شود ظاهر میگردد. درمتن انگلیسی که ۸ صبح نشر کرده این H.A.حذف شده است)
اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف موارد ذیل را در ظرف ۱۳۵ روز در معرض اجرا قرار خواهند داد:

۱- تعداد قوای امریکا در افغانستان به هشت هزار و شش صد (۸۶۰۰) نفر تقیص خواهد یافت.و متناسباً به تعداد قوای متحدین و ائتلاف، نیز کاهش رخ خواهد داد.

۲-اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف، تمام قوا های خود را از پنج (۵) پایگاه نظامی خارج خواهند کرد .

ب: با درنظرداشت تعهد و کردار امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، در جزء دوم (پس چرا تحت جزء اول ذکر شد. جزء دوم بیشتر در باره تهدید امنیت امریکاست، ممکن هدف جزء دوم مقدمه)، این موافتت نامه اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف مراحل ذیل را در معرض اجرا قرار خواهند داد:

۱-اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف تمام قوا های متباقی را از افغانستان در ظرف نه ونیم (۵،۹) ماه که باقی مانده کاملاً خارج خواهند ساخت.

۲- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف، تمام قوای خود را از متباقی پایگاه ها خارج خواهند ساخت.

ج: اضلاع متحده تعهد نموده که: پلان دارد برای رهایی سریع محبوسین سیاسی و جنگی جهت ایجاد فضای اعتماد، با هماهنگی و تأیید همه جوانب مربوطه، بکار آغاز نماید .

تا حدود پنج هزار (۵۰۰۰) نفر محبوس امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است و تا حدود یک هزار (۱۰۰۰) نفر محبوس طرف دیگر در روز اول مذاکرات بین الافغانی مطابق دهم مارچ ۲۰۲۰م، ۱۵ رجب ۱۴۴۱ه ق و ۲۰ حوت ۱۳۹۸ ه ، از حبس رها خواهند شد.

طرف های مربوطه هدف دارند که تمام متباقی محبوسین را در ظرف سه (۳) ماه آینده از حبس رها کنند. اضلاع متحده به تکمیل این هدف تعهد میکند. امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است وعده میدهد که محبوسین آزاد شده شان به مسؤولیت های که درین توافق نامه ذکر شده پابند بوده عامل تهدید به امنیت اضلاع متحده و متحدین آن نخواهند بود.

د: همراه با شروع مذاکرات بین الافغانی، اضلاع متحده ازنگاه اداری برلست محدودیت ها و پاداش کنونی درباره اعضای امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، تجدید نظرانداخته، هدف دارد: این محدودیت ها را تا ۲۷ اگست ۲۰۲۰م، ۸ محرم ۱۴۴۱ه ق، ۶ سنبله ۱۳۹۹ه ش، رفع نماید.

ه: با شروع مذاکرات بین الافغانی، اضلاع متحده تشبثات دیپلوماتیک را با دیگر اعضای شورای امنیت ملل متحد و افغانستان آغاز مینماید تا اعضای امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، ازلست محدودیت ها خارج شده برای رسیدن به این هدف روز ۲۹ می ۲۰۲۰م مطابق ۶ شوال ۱۴۴۱ ه ق و ۹ جوزای ۱۳۹۹ ه ش انتخاب شده است.

و : اضلاع متحده و متحدینش، از تهدیدات و یا استعمال قوا به ضد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی آن اجتناب خواهند کرد.

جزء دوم:با عطف توجه با اعلان این توافقنامه، امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، مراحل ذیل را جهت جلوگیری از استفاده گروهی و یا فردی بشمول القاعده از خاک افغانستان، برای تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش، مراحل ذیل را مد نظر خواهد گرفت:

۱-امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، به هیچ یک از اعضای خودش، دیگر فرد یا گروه ها، بشمول القاعده اجازه نخواهند داد که خاک افغانستان را جهت تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش، مورد استعمال قرار دهند.

۲- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، آنهایکه به امنیت امریکا و متحدینش تهدیدهستند پیام واضح خواهد فرستاد که در افغانستان جا ندارند و به اعضای خود، امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است هدایت خواهد داد تا با آن گروه یا فردیکه امنیت اضلاع متحده و متحدینش را تهدید میکنند، همکاری نه نمایند.

۳- امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، هر گروه یا فردیکه از افغانستان سبب تهدید امنیت اصلاع متحده و متحدینش را فراهم میکند جلوگیری خواهد نمود و هم از تربیه، استخدام سربازان و کمک مالی به ایشان مانع شده از همپاندرای آنها به اساس تعهد به این موافتتنامه ابا خواهند ورزید.

۴-امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، تعهد میکند آنتهایی که به افغانستان تقاضای پناهگزینی و سکونت میکنند فرارقانون مهاجرت بین المللی و تعهد به این موافتتنامه رفتار نمایند، تا چنین اشخاص باعث تهدید امنیت اصلاع متحده و متحدینش، نشوند.

۵- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، برای آن عده کسانیکه به امنیت اضلاع متحده و متحدینش تهدید پنداشته شوند؛ ویزه، پاسپورت، اجازهٔ سفر و دیگراسناد قانونی، برای دخول آنها درافغانستان تهیه نخواهند کرد.

جزء سوم:۱-اضلاع متحده از شورای امنیت ملل متحد درخواست خواهد کرد تا این موافتتنامه را برسمیت شناخته تصویب نمایند.

۲- اضلاع متحده و امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده وچون طالب معروف است، تمنای روابط مثبت بایکدیگر داشته توقع میروود روابط بین اضلاع متحده و حکومت جدید اسلامی افغان «بعد از موافقه ای رسمی و میلان به حل منازعات و یا مناقشات – Post settlement)»قسمیکه در دیالوگ و مذاکره بین الافغانی رای داده شد، مثبت باشد.

۳-اضلاع متحده جویای همکاری اقتصادی برای بازسازی با حکومت جدید اسلامی قسمیکه در دیالوگ و مذاکرات بین الافغانی رای داده شده، میباشد. و به امورداخلی مداخله نخواهد کرد.

جزء چهارم: شامل توافقات سری است که اجازهٔ نشر به آن داده نشده است.

در دوحه بروز ۲۹ فبروری ۲۰۲۰م، ۵ رجب ه ق و ۱۰ حوت ۱۳۹۸ ه ش به زبانهای انگلیسی، دری و پشتو در دو کاپی که هر یک آن مساویانه قابل اعتماد میباشد، امضا شد.

امضا کنندگان: زلمی خلیلزاد نمایندهٔ خاص امریکا

ملا عبدالغنی برادر: نمایندهٔ ارشد طالب

خوانندگان عزیز و گرانقدر،

در این توافقنامه اضلاع متحده امریکا از قوم پشتون طرفداری نموده است. یعنی فقط برای امنیت خود وتباهی مردم افغانستان و کمک به دونالد ترمپ که باز برای چهار سال دیگر رئیس جمهور شود، طرح شده نویسنده این درامه زلمی خلیلزاد نام دارد. این توافقنامه و مسؤولین اجراییوی آن هر کسی که باشد از طرف قانون دانان مردم افغانستان با همکاری دوستان شان که در قوانین امور بین المللی تخصص دارند به محاکمه کشانیده شوند. توجه جدی تانرا به تبصره ای چند در موارد مختلف این توافقنامه و هم تذکر باید داد که کاپی های توافقنامه که در رسانه های اجتماعی نشر شده فاقد پرنسپهای اسناد قانونی بوده مخصوصاً اصطلاحات مانند ضمانت، طزر العمل، متحدین، ائتلاف، بین الافغانی، حکومت جدید اسلامی، Post – settlement و امور داخلی تعریف نشده است، محترمانه جلب می نمایم:

۱-از مذاکرات بین الافغانی خبری نیست.

۲-از عدم مداخله پاکستان در امور داخلی افغانستان ذکری نیامده چون مذاکره کنندگان اضلاع متحده و پاکستانی بودند نه افغانستانی.

۳-این موافتتنامه نمایانگر مداخله در امور داخلی افغانستان است.

۴-امنیت افغانستان بیش از پیش تهدید شده است. داعش که ممکن شعبۀ از طالب ظالم باشد میگویند به سربازگیری در کنرها شروع کرده است.

۵-ویزه و پاسپورت به اساس قوانین بین المللی ازطرف دولت ها صادر میشود نه تروریست ها. به عبارت دیگر، گرچه بار ها درین توافقنامه آمده که : امارت اسلامی افغانستان بحیث دولت از طرف اضلاع متحده شناخته نشده، با این عمل اول نقض گفتار خود کرده اند و دوم این گروه طالب ظالم را به حیث دولت وانمود ساخته اند که بفکر من مثل شناخت است.

۶-رهایی ۵۰۰۰ جانی و قاتل بضد امنیت افغانستان است. آقای رحمت الله نبیل در صفحات اجتماعی اسنادی ارائه نموده اند که نشان میدهد در بین این تعداد محبوسین ۲۸۰ نفر کسانی اند که با واسکت انتحاری گرفتار شده بودند.

۷-توافق طالب ظالم با اضلاع متحده اینست که از افغانستان به آنها ضرر نمیرسد. اینکه، در خارج از افغانستان و یا داخل اضلاع متحده توسط نفوذیها یا sleeperهایشان تهدیدات موجود است تذکری بعمل نیامده است. ولی طالب ظالم از قتل برادران و خواهران مسلمان خود بسراعت اقرار میدارند؛ بحثی است که باید علمای متبحر و دانشمند دینی فتوای مظلوم بودن مردم افغانستان را صادر نمایند.

۸-اصلا ما شاهد سالهای متمادی جنگ احزاب مخصوصا جمعیت اسلامی با طالب بودیم. اگر طالب وطندوست و مسلمانان دیندار اند چرا با این گروه از در صلح پیشآمد ندارند؟

۹-قرار گفتار جنرال ارشد اردوی پاکستان طالب ها از طرف آنها سوق و اداره میشوند. که مشکل اساسی را به جهان بی پرده بیان نمود. لاکن جهان چشم پوشید و از نوکران پاکستان حمایت کرد و نظلم حکومت های هند و برما را برمسلمانها فراموش نمود.

۱۰-شورای امنیت ملل متحد با شناخت و تصویب این توافقنامه بضد امنیت مردم افغانستان و به حمایت از ظالم و انتحاریون عمل نموده به ضد منشور ملل متحد عمل کرده نوکری خود را به اوامراضلاع متحده و لابی های پاکستان ثابت کرده است. قسمیکه افغانستانی هادرلندن درمقابل سفارت امریکا مظاهره کردندبفکرمن باید افغانستانی های (دنباله درصفحهٔ هشت)

نظری به انتشارات تازه

ابن سینا – **بلخی**، **بخارایی**، **جهانی**
شیخ الرئیس، **حجت الحق**، **شرف الملک**، **امیر طبیبان**
عنوان تازه ترین کتابی است که درشناسنامهٔ آن آمده:
تتبع و نگارش:
داکتر غلام محمد دستگیر،
موضوع:
تاریخ طب، چاپ نخست:
جنوری ۲۰۲۱م،
جدی ۱۳۹۹ش،
دیزاین صفحات:
داکتر دستگیر،
مصصح:
مجتبی دستگیر،
دیزاین روی جلد:
هوسی دستگیر،
ناشر:
انتشارات شاهنامه – هالند.

بخش اول بررسی و معرفی این اثرهمکاردانشمندجناب داکتردستگیر درشمارهٔ ۱۰۸۴–۲۱جولای۲۰۲۱چاپ شد. اینک بخش پایانی آن تقدیم میگردد:

داکتردستگیر از(رساله الطیر) ابن سینا چنین مطلبی را نقل کرده که گویا شیخ الرئیس امروزخطاب به مردم افغانستان فرموده است:
«اگر فرشته از کار زشت اجتناب کند واگر بهایم مرتکب قبیحی شوند نباید تعجب کنید. چون فرشته آلت فساد ندارد و بهایم هم آلت عقل ندارند، بلکه ازکار آدمی تعجب کنید که باوجود قوهٔ شهوت آنرا منقاد عقل میسازد، چنین انسانی ازفرشته هم برتراست، برعکس، اگرآدمی عقل رااسیرشهوت وهوهای نفسانی سازد، وی ازحیوان هم پست تراست، زیرا حیوان عقل ندارد، درحالیکه چنین آدمی دارای قوهٔ عقلانی می باشد.»

داکترغلام محمددستگیر آثار امیرطبیبان را برشمرده وکتاب (القانون فی الطب) وی راازاهم تألیفاتش می داند، که توسط عبدالرحمان شرفکندی درهشت جلد ترجمه شده، ونسخهٔ خطی قانون طب درخزانة کتابخانهٔ واتیکان نگهداری شده است. ابن سینا این کتاب به عربی دربج جلد نگاشته، به این شرح:
کتاب اول، درامور کلی طب(کلیات علم طب)
کتاب دوم در داروهای ساده (ادویة مفردة)
کتاب سوم دربیماری های جزئی که بطورآشکار و نهان براندامهای آدمی، ازسر ناقدم عارض میشوند، کتاب سوم در بیماریهای جزئی که ویژهٔ یک اندام خاص نیست (عمومی است) و همچنین بیماریهای مربوط به (آراستگی ظاهر تن)
کتاب پنجم در ترکیب داروها واین همان کتاب اقربادین است.

ابن سینا درمضامین فلسفه، منطق، ریاضیات، موسیقی، احکام، نجوم، فقه، تصوف و زبان شناسی، شاعری، تحقیقات و تیوری و حتی عشق وشراب نیز آثاری چند ازخودباقی مانده است. ابن سینا دربارهٔ عشق در رسالهٔ فی العشق چنین مینویسد:
«وجودی که چندان رفیع است که درتحت فرمان درنمی آید، ازآن جهات که غایت خیراست، غایت درمعشوقیت است، وغایت عاشقیت آن همان غایت معشوقیت است. مقصودم ذات مقدس متعالی حق تعالی است، چه خیربه خیرعشق میورزد، واین عشق ورزی ازطریق رسیدن به آن و دریافت آن است، و ازآنجاکه خیراول بالفعل پیوستهٔ مدرک ذات خویش است، بنابراین عشق نسبت به خود کاملترین وتمام ترین عشق است، وجون میان صفات الهی تمایز ذاتی درذات او وجودندارد، درخیرمحض عشق آشکارا ذات و وجود او هردوست .»

این هم شمهٔ ازنگارش داکتر دستگیر راجع به ابن سینا و علم موسیقی:
«شیخ الرئیس ابن سینادرموسیقی سه کتاب داردکه دوی آن بزبان عربی وبکی آن بزبان فارسی است که دردانشنامهٔ علایی اثرفارسی ابن سینا درج است، و تمرکزما به همین منبع است چون به دسترس ماقراردارد ومیتوانیم ازاصل به عوض اقتباس ازآثار دیگران ازآن استفاده کنیم ...

«خواجه رئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا(رح) می گویدکه درصناعت علم موسیقی دوجزءاست:یکی تالیف است و موضوع نغمهاست(نغمه ها) واندر حال اتفاق ایشان وناتفاق ایشان نگاه کنند. ودوم ایقاعست وموضوع اوزمان هاست که اندرمیان نغمها اوفتد و تفره(واحد ایقاع) هایی که یکی بیکی شوند، واندرحال وزن ایشان و ناوزنی ایشان نگاه کنند وغایت اندرین هردو نهادن لحن هاست. پس صناعت(این هنر) علميست نظری که بحث کنند از نغمه ها، ازآنجا که متفق و موزون بود ایقاع ها رانتقال هکه اندر وی بُونَد تاتالیف لحن(ملودی) کنند...

ابن سینا اولین طبیبی است که موسیقی راجهت تداوی مریضان استعمال نموده ونسخهٔ خطی رسالهٔ ابن سینا دربارهٔ «شفای بیماران توسط موسیقی»درموزیم شرق شناسی بریتانیا موجود است ...

... خدمات ابن سینا درطب و نوشتن اضافه از۲۳۸ رساله، مقاله، نامه، اشعار، مقوله ها وکتب ازخود بجامانده وخدمت بزرگ برای پیشرفت وارتقای ساینس وطبابت بوده، اساس پیشرفتهای امروزی رادرساینس وتکنالوژی بنا نهاد... خوشبختانه ۱۵۰ اثر وی ازآتشسوزی کتاب سوزان جاهل ودشمنان علم ومعرفت وتبعیضیان مذهب نجات یافته (است) .

جناب داکتردستگیر کتابش را بااین رباعی ازقهرمان این اثر (ابن سینای بلخی) پایان بخشیده است :

انجنیرعبدالصبور فروازن استاد یونیورستی نیوجرسی

احمدشاه مسعود تمثال آزادی و مقاومت

قهرمان ملی وپیکارگر بی نظیرتاریخ شهیداحمدشاه مسعود(رح) فرموده بودند:
«برای حیات مادی همه چیزمیتوان داشت، آب، نان و مسکن. ولی اگرآزادی ما بریاد رفت، اگرغرورملی ما درهم شکست، واگراستقلال مانابودگشت، در آنصورت زندگی برای ما کوچکترین لذت وارزش نخواهدداشت.»

دراوضاع تراژیک کنونی کشورکه گروه بدنام مزدوران پاکستان تحت نام طالبان چنگال خونین شانرا درسینه های مردم ما فروبرده وسرزمین مارابا هم دستی مثنی ازتوطئه گران، خاینان و شیادان داخلی وخارجی خلیلزاد، کرزی، غنی احمدزی وگلبدین اشغال نموده وزمینه رابرای تجاوز واستیلای نظامیان پاکستان مساعد میسازند، ضرورت آن احساس میشودکه دربرابراین دون صفتان وطنفروش و مزدوران پنجابی به پایاستاد ومبارزه راآغازنمودو دین اسلامی، وطنی ومردمی خودرا ادا کرد. این وجیهة هرهموطن داخل وخارج است تاازهروسیلهٔ که درتوان دارد، برای نابودی دشمنان میهن ودین وفرهنگ وآزادی سرزمین ماستفاده نماید.

گروه دهشت افگن طالبان یکی ازبدنام ترین گروه تروریستی است که مردم درسراسرجهان، مسلمان وغیرمسلمان به استثنای پاکستانها، عربهاوچیناییها از آنهانفرت دارند. این گروه به اندازهٔ شریروظالم است که خلق خدا مسلمان وغیرمسلمان اذیت وآزار می دهد وزندگی نورمال خانواده هارابهم میزند واز ظلم وجنایت خویش به اندازهٔ ترس ورعب رابجادکردندکه مردم ناچار هست و بود خودرا رهاکرده بسوی آیندهٔ نامعلوم ترک وطن مینمایند. سرآسیمگی و پریشانی مردم سراسرکشوریبانگرتست که مردم ازآنهانفرت داشته نمیخواهند درزیرسلطهٔ ظالمانهٔ آنهازندگی کنند. این امرازیکسونشان میدهدکه مردم بی خانمانی، آوارگی ودربدری را اززندگی زیرسیطرهٔ طالبان ترجیح میدهند، واز سوی دیگراین قربانی بزرگیست که به طالبان عملانشان میدهندکه اگربه قیمت جان وخانه وکاشانهٔ ماهم تمام شود شمارا نمی خواهیم!

تاجاییکه من(نگارنده) دیده ام، زندگی زیرسیطرهٔ این گروه طاغوتی چیزی جز بیعزتی، بی آبرویی وننگ وعارنیست. این زنجیرغلامی واسارت است که انسان اختیارقامیل وناموس ومالش راندارد. طالبان مثنی ازخاکفروشان فرو مایهٔ اندکه نه تنهاوطن مارابه پاکستانیهافروخته اند، بلکه مردمان ظالم، خداناترس، سبه دل وقسی القلبی هستندکه ازدیدگاه قرآن مجید آشوبگران، قاتلان منافقین ومفسدی فی الارض اند، وامرقرآن مجیداست که بایدبرای نابودی مفسدین ایستاد تافسادپیشگان ازبین نرفته، باید مبارزه وجهاد کرد . هدایت قرآن شریف درمورداین گروه فسادپیشه ومغضوب خدا چنین است:
«درهر جاییکه اینهارا بیابید سربزید، اخراج نمایید ازشهرتان، همانطوریکه شمارا اخراج کردند. چون فتنه انگیزی بدتراز قتل است.»

طالبان برای اسارت کشورمابه پاکستان استخدام واجیرشده وماهیت ددمنشانه واهداف شوم شان بهمه معلوم شده، هرگزدر کشورماباقی مانده نمیتوانند وبه زودترین وقت قیامهای ملی و مردمی دربرابرشان آغازمیشود وآنهاراازاین بوم وبر مقدس ودشمن شکن اخراج مینمایند. حامیان وباداران شان بدانندکه از همان روزی که این گروه مزدوربکاب داخل شدند، زوال ونابودی شان آغازشد چنانچه وقتی خیزشهای مردمی دربنجشیر واندراب شروع شدومردم به دور فرزندمجاهدقفید وتمثال آزادی وحریت احمدشاه مسعود(رح) جمع شدند، مقامات پاکستان وبخصوص عمران خان منجی طالبان وستارهٔ فحشا ازقوت گیری مردم ماهراسان شده ورئیس آی اس آی که درواقع مرجع اداره ورهبری طالبان است بکابل آمد(۴ سپتمبر) ودرارگ جاگرفت وکوماندوهای پاکستان وطیارات بی سرنشین را رهبری کردوقومانده دادتامواضع قیام کنندگان رادردرهٔ پنجشیربمباران نمایند. باوجودی که این خلاف نورمهای بین المللی بود، ولی پاکستان قبول کردن اعتراضات دول صلحدوست جهان را نسبت به قوت گیری قیامهای ملی درافغانستان ترجیح دادوبرکشور ما تجاوز ومداخلهٔ نظامی کرد.

زان پیش که ازجهان قوامانی فرد آن به که نبایدت پشیمانی خَورد امروز بکن چو می توانی کاری فردا چه کنی گر نتوانی کرد
به آرزوی طول عمر وبرکت درآفرینش آثار بیشترجناب داکترغلام محمد دستگیر، ازمقوله های ارزشمند ابن سینا چند نکتهٔ آنرا خاتمهٔ معرفی فشردهٔ کتاب می آوریم :

*مردم جهان دودسته هستند، هوشمندان بی دین و دینداران بدون هوشمندی.

*تعجب می کنم کسی ماست بخورد و بمیرد .

*چیزی که دانش را می آراید راستی است.

*اگربرای یک اشتباه هزاردلایل بیاورید، هزارویک اشتباه ارزشماسرزده است./

فیض حمیدرئیس آی اس آی برای دوهدف بکابل آمد، یکی اینکه مقاومت رادربنجشیرامحا کند، دوم برای مزدوران خود درکابل حکومتی بسازد.حملات طیارات وهلیکوپترهاو درونهای پاکستان ساخت چین دربنجشیر سبب خشم مردم وکشورهای منطقه شد. مردم غیورودلیرکابل، پروان، هرات، مزارشریف فراه، نیمروز و تخارودختران وپسران شاهامت این شهرهای قهرمان آفرین با وجوداینکه خصلت ددمنشانه وخون آشام طالبان مزدور را میدانند، شاهامت و دلیری بینظیری درجاده هابه تظاهرات دربرابر حملهٔ نظامی پاکستان پرداختند. طالبان نجس بااستفاده ازگاز اشک آور، لت وكوب وفیرهای هوایی کوشیدندتاجلومظاهرات رابگیرند. ایران مداخلهٔ مستقیم پاکستان را وبمباران پنجشیر را تقبیح کرد وهوشداردادکه عاقبت خوبی برای پاکستان نخواهد داشت.

بنابرگزارشهای موثق طالبان دربنجشیردردجاییکه وجوددارند به قتل عام پرداخته، خانه بخانه تلاشی کرده هرچی بیابند باخودمی برند ومردم را اذیت وآزاروتوهین مینمایند. پاکستان نه تنهابمباران هوایی کردبلکه با استفاده ازتکننالوژی خدمات مخابراتی وانترنتی رانیزدربنجشیرقطع کرده به ژورنالیستان اجازهٔ داخل شدن به پنجشیرانمی دهند. ناظران سیاسی میگویند آنچه طالبان دربپیروزی شان دربنجشیرانعکاس میدهند یکجانبه بوده، بیشتر دروغ است. مثلالطالبان ویدیویی رابه کمک اطلاعات پاکستان نمایش دادند که نشاندهندهٔ جنگ شدیدی دربنجشیراست که سرانجام به نفع طالبان تمام میشود. اما بعداً ثابت شدکه این ویدیو درسال۲۰۱۹ دریمن فلمبرداری شده بود! این تبلیغات دروغین برای تضعیف روحیهٔ مقاومت وخیزشهای مردمی می باشد وطالبان در دروغگویی و منافقت مهارت چشمگیری دارند!

شهیدمسعودبزرگ(رح) برای جهادومبارزه علیه مزدوران پاکستان ودشمنان خاک ومردم ما مثنی نیکو وارزشمندی بجا گذاشت که حاصلش آزادی و سرفرازی است. اوبه تنهایی تحت شرایط ضیق اقتصادی دراوضاع واحوالیکه پاکستان، سعودی و امارات عربی حمایت رسمی خودرازگروه آدمکش و مزدورطالبان اعلان کرده بودند، پول گراف دالرامریکا وربال عربستان به آنها سرازیرمیشد، مشاورین سازمانهای جاسوسی برایشان طرح ودیزاین جنگی تهیه میکردند، کمپنی یونیکال دروجودآنهاآبندهٔ پرمنفعت رانتظار داشت وامیدواریهایی رابرای بهره برداری ازذخایرنفت وگاز آسیای میانه را درسر می پرورانید، وپاکستان طرح الحاق سرزمین مارابحیث صوبهٔ پنجم روی دست گرفته بود، علم آزادی ومقاومت رابرافراشت ونگذاشت وطنش اسیر نظامیان پاکستان گردد. جنرال مشرف که دشمنی وطن مارادرسینه کاشته بود در صحبتی درراولپندی گفت:
«تمام خونریزی که دراوغانستان شده، مسئولیت آن بدوش مسعوداست، چه اگراونمی بود این خونریزیها وجنگهاصورت نمی گرفت، اوغانستان صوبهٔ پنجم میشدومردم آرام وآسوده زندگی میکردند.»

اما احمدشاه مسعود(رح) دربرابر پیشروی طالبان مزدور مانع بزرگی بود و پاکستان ازهروسیله وامکانی که دردست داشت استفاده نمود تاجلومبارزات ومقاومت اورا بگیرد. حتی افراد و اشخاصی راازمیان خودمجاهدین گماشت و وظیفه داد تامسعود را ازمبارزه ومقاومتش دربرابر طالبان مزدور بازدارند یاحد اقل روحیهٔ رزمی اوراضعیف سازند. مسعوددربرابریکی ازرهبران مجاهدین که اورا ازدست برداشتن ازمبارزه ومقاومت تشویق میکرد گفت:
«ما برای آزادی می رزمیم. برای من زیستن درزیرچتر بردگی پست ترین نوع زندگی است.»مسعود درزمان مقاومت ومبارزه علیه طالبان مزدور شاد ومسرور دیده میشد وخستگی جنگ که درزمان مقابله باروسها در روح وروانش دیده میشد هرگز درزمان مقاومت دیده نشد. او به پیروزی مردم وشکست طالبان عقیدهٔ راسخ داشت وعمرطالبان مزدور راکوتاه مینداشت. مسعودمیگفت دشوارترین روزهای مبارزه ومقاومت دربرابردشمن روزها، هفته هاوماهاها وسالهای اول است که همه چیزباید تازه شکل گیرد وبرای مردم روحیه داد. وقتی انسان از این مرحله بگذرد وحوصله نمایدکار ها بعداً بسیارآسان میشود وپیروزی حتمی. اودربرابرعهدهٔ ازرهبران مجاهدین که تلاشهای اورابرای نجات وطن ازچنگال خونین طالبان مزدوربیهوده میخواندند ومقاومت اوراضیاع وقت، باآوازبلند جواب داد:
«هن مقاومت می کنم! »

بخاطردارم که دراواسط۱۹۹۶ اوضاع بشدت تغییرکرده، پرتاب راکتهای کور گلبدین بیشترین قسمت شهرکابل رابه خرابه هاتبدیل کرده بود، سرکها و تعمیرات دولتی، منازل مسکونی، مکاتب، دانشگاه کابل، پولیتخنیک، شفاخانه های علی آباد وبن سینا، باغ وحش وسینمای بریکوت وبرانههای غیرقابل ترمیم بر داشته بودند که انسان ازدیدن آنهاوحشت میکرد. عبدالعلی مزاری با همکاری گلبدین غرب کابل رابه اندازهٔ تخریب نمود که همه منازل و ساختمانها درساحات کارتهٔ سه وچهار، دهبوری و سرای غزنی که زمانی خوشی وخرمی ازآنهابرمیخاست، به شهر ارواح تبدیل شد که دیدن آن واهمه تولیدمیکرد(دنباله درصفحهٔ پنج)

احمدشاه مسعود تمثال آزادی

لیسه‌های غازی و رابعهٔ بلخی، سوریا و سیدجمال‌الدین و دار‌المعلمین کابل چنان ویران شده بودند که قلب هربیننده را پاره می‌کرد .

گلبدین نواحی چهلستون ودارالامان راجنان ویران کرده بود که فقط دیوارهای شکسته وریخته درمیان انباری ازخرابه‌ها از دور دیده میشدوچنان مینمود که آن مناطق زیبا را زلزلهٔ یا آسیب سخت زده دیگرگون ساخته است. قصر دارالامان آن نمای زیبا و دلپذیر خودرا ازدست داده بود بخصوص آن نمای قصرکه به جانب چهارآسیاب بود به اودازهٔ زیرضریبات راکتی گلبدین خردو خمیر شده بودکه ازدیدن آن مشکل بودکسی جلواشک خود رابگیرد. آن قصر زیبابه ویرانه‌های دوران عاد و ثمود می‌ماند. موزیم کابل ویران شده نه در داشت ونه دیوار، همهٔ آثارگرانهبابه زمین خورده وبارچه پارچه شده بود. از خانه‌های زیبای ساحهٔ دارالامان اسکلیت عریانی باقی مانده واز سه راهی دهمزنگ رفتن به بطرف لیسهٔ حبیبیه به معنی خودکشی بود. لاشهٔ سینما بریکوت به زمین افتاده وخانهٔ فرهنگی شوروی که بازبایی خاص ساخته شده بود، در داده بودند.بلندمنزلهای مکروریانها بخصوص مکروریان اول ودوم که روبه طرف چهار آسیاب بودند به اندازهٔ صدمه دیده بودندکه لاشه‌های آنها به زمین نشست و حکایت از بیداد راکت زنی‌های گلبدین می‌کردند.

پاکستانپهادوستم را باگلبدین ومزاری درجنگ علیه دولت همدست ساخته و طیارات نظامی که باید برای نابودی دشمن وطن بکارمیرفت، برای بمباران نواحی خیرخانه، بی بی مهر و میدان هوایی که راکتهای گلبدین توان رسیدن به آنجا راکمترداشت، فرستاده میشدندتا بمباران نماید. ای بسا که این طیارات نظامی بمب‌های خودرا بالای آنهایی ریختندکه ازپول آبلهٔ دست وعرق جبین شان خریده شده بودند. باغم ودردکه من(نگارنده) شاهدریختن دویمب بودم که یکی درقصبهٔ کارگری بالای خانه بی افتاد و آنرا با۱۲نفرساکنیش که اطفال هم بودند چنان نابودکردکه نه اثری ازآن خانواده ماند ونه ازخانه، و گودالی بجای آن خانه حفرشده به عمقی که آب ازآن برآمده بود. گلبدین راههای مواصلاتی رازاز طریق چهارآسیاب وسرویی مسدودنموده موادغذایی و محروقاتی رابرشهروندان کابل بسته بود واین شهررا به محاصره کشاند و باشندگان آن ازسرمای زمستان ونبودغذاجان میدادند. شهروندان همه مغموم و پریشان آواره وبی خانمان شدندکه حکایت ازبیداد وحفا‌های گلبدین میکرد. اولسخندرا ازچهره‌های مردم وخوشی را ازدامان کودکان گرفته وشهررا به ماتمسرایب تبدیل کرده بود .

همه پلانهایی که برای سقوط دولت ازجانب بیگانگه طرح شده بودند به یختگی رسیده وبه طالبان اجازه داده شدتا به دروازه‌های شهرکابل خودرا برسانند. درچنین وضعیت ناهنجار نمایندهٔ فوق العادهٔ امریکا رابین رافایل به میدان هوایی بگرام پایین شدوچندلحظه بعد هلیکوپتری نشست واحمدشاه مسعود ازآن پایین شد وباقامت استواربسیوی تعمیرمیدان هوایی رفت وملاقات درآنجاآغازشد. رافایل سخنهایی ازپیشروی طالبان وازقدرتسندی آنها واز اهمیت پاکستان واینکه پاکستان یک کشورخوب است ونیت بدی در مسایل مربوط به افغانستان ندارد حرف زد. مسعودبا زیرکی خاصی که داشت درک کردکه این خانم چه در کله دارد، وبالحن جدی گفت معلوم نشدکه شما نمایندگی ازدولت پاکستان می نمایید یا از دولت امریکا. رافایل کاستی دیپلوماسی خودرا درک کردوشیوه سخن راتغییرداد وبیشتر سعی کردتابداندآیا مسعود دردفاع ازوطنش قاطع است یازپیشروی طالبان تهلکه دارد. درمجموع میخواست به مسعودهوشداربدهد که طالبان موفق میشوندو کابل سقوط میکند. طوری معلوم شد که اووظیفه داشت قناعت مسعودبرای کنارآمدن باطالبان و تسلیم شده به آنها یا انتخاب زندگی درجای دیگر رافراهم سازد. مسعودکه مغزسخن را زوددرک میکرد دانست که این خانم ازوجه میخواهد! با سخن ساده ولی پرمفهوم برایش گفت: «اگر یکنفرهم درافغانستان باقی بماند واگریک توته جای(به کلاهش که بالای میزبود اشاره کرد) به این اندازه که هردوپایم درآن جاشود باقی بماند، من تاآخرین نفس ازآن شخص وازآن توته زمین دفاع می نمایم.»این پاسخ مسعودچنان آن خانم را مأیوس و سرآسیمه ساخت که مجلس سرد شد وبه سردی خاتمه یافت .

مسعود بعدازآن دیدار گفت: «اینطورمعلوم میشودکه امریکا علیه ماجنگ را آغاز می کند.»

پس ازین سفررافایل اوضاع بکلی تغییرکرد، برای طالبان چراغ سبز داده شد و نیروهای پاکستان بصورت آشکار به حمایت طالبان برای تسخیرکابل وظیفه گرفتند. به تصورطراحان این پلان بشمول رافایل، مسعود یا دستگیرمیشد یا هواپیمایی راگرفته ازوطن خارج میگرددید! امابرخلاف حدس آنها، مسعود قوت بیشترگرفت وبامهارت خاص که درتاریخ دیده نشده، قوتهای خودرا از کابل خارج کرد وخط نبرد جدید ومقاومتری رادربرابرطالبان وحامیان شان ایجادنمود، ونبردخود را برای آزادی وطن تحت نام مقاومت آغازوبرای هم وطنانش ومردم جهان اعلان کرد: «دیروزبرای دفاع از کشورم دربرابرلشکر سرخ می جنگیدیم، امروزبازهم بخاطردفاع از کشورم دربرابرلشکرسیاه می جنگیم.»

درهمان روزهای اول برای مسعودتوصیه‌های مختلف از آدرسهای مختلف میشد، کسی پیشنهادمیکردبهتراست جانت را نگهداری ومقاومت معنی نداردو جایی رانمی گیرد. دیگری میگفت ترک وطن کرده درگوشهٔ ازجهان زندگی آرام کن، توظیفه‌ات را اداکرده وروسهارا شکست دادی، پیشنهادات وگفته‌هایی ازین قماش زیاد بود ومسعودازآن سخنان وپیشنهادات رنج میبرد و خوشش نمی‌آمد. اوبه همهٔ آنهاگفت: من برای آزادی وطنم می‌جنگم ومطمئنم که آنرا بدست می‌آورم . مسعودبه آن تصمیمی که داشت تاآخرین قطرهٔ خون پاکش پایدارماند. او درمدت کوتاهی صفوف مقاومت رادربرابرطالبان مزدور وباداران پاکستانی شان منسجم ساخت، اموردولتی راکه پراکنده شده بود تنظیم نمود ونظام دولتییی ایجادکردکه کشورهای جهان مجبورشدند تابه درایت مسعود در صف آرابی قوایش دربرابرطالبان وفوج پاکستان وجنگجویان بسیاری ازشازمان‌های تروریستی جهان بشمول القاعده همکاری نموده وبه توانمندی او برای آزادی کشورش اعتراف کرده ازآن حریت خواهی تمجید نمایند. سعودی، پاکستان وامارات عربی از پیشرفتهای نظامی وسیاسی مسعود دردوران مقاومت سخت درهراس بودند وهمکاریهای نظامی ومالی خودرابه طالبان بیشتر وبیشتر ساختند وگروههای تروریستی سراسرجهان برای جنگ با مسعود در افغانستان سرازیرشدند وپایتخت کشور محل رفت وآمدسران سازمانهای آنهاشده بود. پاکستان ازین حالت منفعت میبرد وطالبان ممنون همکاری‌های مالی ونظامی آنها بودند وکشورابه آشیانهٔ بامن آنان ساختند.

برعکس همهٔ این امتیازات وسخاوتها برای طالبان، مسعود باهزینهٔ ناچیز با مشکلات اقتصادی وباهم پیمانهایی که چندان برآن هاحساب نمی‌شد، وبا امکانات ناکافی محاربوی دربرابرهجوم اشغالگران صف آرابی کرد. چالب اینکه اکثرهم پیمانان مسعود دراولین حملهٔ طالبان شکست خوردندودوباره برای مقابله برنگشتند ومسعود بایدبه تنهایی خود ومقاومین بجنگد.

طرح مسعود دردوران مقاومت طوری بودکه درداخل باید دربرابرهجوم طالبان ایستادگی کردوبرای آزادی وطن جنگید ودر خارج بایست راههایی راجستجو کردتابرآنهاازمجاری دیپلوماسی فشارهای جهانی بیآورد تاطالبان درمجامع بین المللی زیرفشار و محاسبه درآیند. مسعود درهردوجهت موفقیتهای چشمگیری بدست آورد، چنانکه درروزهای اخیرزندگی مسعود، طالبان به اندازهٔ ضربه خورده بودندکه زوال شان پیشینی میشد وسال واندی بکاربودتااین گروه بدنام شکست داده و کشور را آزاد نمود.

وقتی حمایه گران طالبان این زنگ خطرا شنیدند وزوال طالبان وپیروزی قریب الوقوع مسعودرا احساس ودرک کردندکه اورا نمی توان باجنگ و محاربه ازبین برد، طرح تروراورا که از مدتهابالایش کارمیکردند اولویت دادند چه این کشورهامنافع خودرا دروجودطالبان که غلامان حلقه بگوش اند وهر امر ونهیی که بالای آنهاشود انجام میدهند، وهرگز نمی‌خواستندبزرگمرد آزاده وشجاع و سرکشی چون مسعود زمام اموررا بگیرد ووطن راآزادسازد.

احمدشاه مسعود دردوران مقاومت دستآوردهای چشمگیری داشت واکثر سازمانهای بین المللی وكشورهای جهان به ماهیت تروریستی طالبان پی برده بودند، به ترتیبی که معرفی حامدکرزی بحیث نمایندهٔ فوق العادهٔ طالبان در ملل متحدبجایی نرسید، برعکس همه نمایندگی‌های سیاسی افغانستان دراکثر کشورهای جهان به اعتباردولت اسلامی افغانستان پابرجا ماندند. طالبان بحیث تروریست‌های ضدبشریت شناخته شده واکثرمطلق کشورها باوجودتلاش‌های مذبوحانهٔ سیاسی پاکستان ازبرسمیت شناختن رژیم ظالمانهٔ طالبان خود داری کردند. امریکاکه باساس اظهارات بینظیربوتو درایجاد طالبان همکاری پولی ومالی کرده بود وبرای انتقال نفت وگاز آسیای میانه درچوکات کمپنی یونیکال درصددبودتاحکومت طالبان رابرسیت بشناسد ودرین راستافعالیت هاوعرق ریزیهای زلمی خلیلزاد، کرزی، غنی واحمدزی ودیگرقبیله گرایان خیلی هابرجسته بود، دربرابرسیاستهای مدیرانهٔ احمدشاه مسعود کاری نیفتید!

دولت امریکا ازسبب فشارمردمی وجهانی که محسوس بود ازشناسایی رژیم طالبان ابا ورزید، ولی به پاکستان، سعودی وامارات که متحدین امریکابودند چراغ سبزودست بازداد تاهمکاری، تمویل وتسلیح طالبان رابدوش گیرند. در حالیکه اگرقواعدمبارزه علیه تروریسم راحترام نماییم، این سه کشورباید مجازات می‌شدند .

بایدخاطر نشان کردکه تلاشهاوزحمات دانشمندان، نویسندگان، فعالین سیاسی درخارج کشوربخصوص تلاشهای شادروان پروفیسر داکترحمیدهادی، خانم غیور وباشاهمت محترمه داکتر زیبا شورش در عرصهٔ کار در میان سیاستمداران وسناتوران وکانگرس امریکا، زحمات وعرق ریزیهای دانشمندمبارزویوبیکار گر نستوه ومجاهد جناب محمدقوی کوشان سردبیرجریدهٔ مردمی امید و خانم محترمهٔ شان داکترثمیله کوشان، درروشن ساختن حقایق وانعکاس افکارو تلاشهای دانشمندان وقلم بدستان کشور(دنباله درصفحهٔ هشتم)

پژوهنده : نصیراحمد رازی

واژه‌هایی از کنگینهٔ تصوف

از مثنوی : قصه اینجا وقتی گرگ وروباه همراه شیر به شکارمیروند، البته شیر نر ازصحت آنها ننگ دارد امابازهمراهی میکندتا دربارهٔ آنها اکرام کرده باشد. باری، شیر درصیدگاه یک گاوکوهی، یک بز ویک خرگوش شکارمی کندوگرگ وروباه پیش خودچنان می‌پندارندکه شیرگاوکوهی رابه خویشتن اختصاص خواهدداد وبز وخرگوش رابه آنهاواگذارخواهدکرد. وقتی شیر بر سبیل امتحان ازگرگ درمیخواهدتاآنچه را ازصیدحاصل شده قسمت کند او نیزهمین پندارخویش رامبنای تقسیم میسازد. اما شیر بر می‌آشوبد که وقتی وجود من درمیان است چه جای وجوددیگری است وگرگ راجه یارای آنکه در مقابل وجودشیر خودراهم درمیان ببیند وازخودوسهم وقسمت خود دم بزند؟ پس این اعتراض رابهانه میسازدوبیاخشم ونفرت درگرگ می‌چهد، اوراازپای درمیآورد و پوست ازسرش میکشد. آنگاه روی به روباه می‌کند و می‌گوید اینک نوبت تو است که این صید را قسمت کنی. روباه تعظیم متملقانه بی بجای می‌آورد و می‌گوید: این گاو فربه برای چاشت ملک مناسب است ، بز هم یخنی و غذایی ساده است برای میان روز وی ، خرگوش هم سزای آنست که شجرهٔ ملک باشد. شیر که این طرز تقسیم وی را با ادب صحبت موافق می‌یابد تعجب می‌کند و می‌پرسید که این شیوهٔ تقسیم را از که آموختی؟ روباه جواب می‌دهد از حال گرگ. و شیر که نفی نفس او را درخور پاداش می‌یابد می‌گویدچون تو در پیش ما وجود خود را نادیده گرفتی، هر سه را برگیر و بستان و برو .

بدین گونه مولانانشان میدهدکه انسان هم فقط وقتی خودرا در وجودحق فانی کند وازخودی خود بیرون آید، مثل روباه به مقصودمیرسد، اماسالک باید همواره شاکر باشد که حق وجود او رامایهٔ عبرت دیگران نساخته است وبه او فرصت وامکان داده است تامثل روباه ازشرگذشت گرگ درس عبرت بیاموزد وسر آخود رهایی ونفی نفس را از تأمل در احوال دیگران دریابد؛ چنانکه سرگذشت امت‌های گذشته هم به امت محمدی، که امت مرحومه است، درس عبرت داده است و رسول هم به قول مولانا، درقیاس باامت‌های سلف ـ امت مرحومه زین رو خواندمان. (بحر در کوزه، زرینکوب)

از مثنوی : در بین امثال حیوانات ، حکایت آن مرغ که صیاد خودش را وصیت کرد که برگذشته پشیمانی مخور ؛ مأخوذ از داستان یوزاسف و بلوهر است که مولانا ممکن از طریق الهی نامهٔ عطار یا کیمیای سعادت غزالی هم آنرااخذ کرده باشد واصل آن بدان گونه که درروایت اسلامی یوزاسف و بلوهرهست دراکمال الدین شیخ صدوق(وفات:۳۸۱) هم جزواصل قصهٔ یوزاسف آمده است.

مولانا داستان را در بیان این نکته شاهد می‌آوردکه بر گذشته حسرت نباید خورد که چون ، باز ناید رفته یاد آن هیاست. امااصل قصه در روایت یوزاسف و بلوهر در باب جهالت عامه است که چون پای طمع وغرض در میان آید هیچ نصیحت نمی‌پذیرند وکارها به میزان عقل نمی‌سنجند. یک روایت قدیم فرانسوی هم که از این قصه باقی است و به داستان مرغک+ مشهوراست، ظاهراً از همین داستان بلوهر مأخوذ باشد ، که صورت مسیحی آن درارویای قرون وسطی شهرت وتداول بسیارداشته است .

درروایت مثنوی، که نیز از قصهٔ الهی نامهٔ عطار مأخوذ به نظر می‌آید، مرغ چون به دام صیاد می‌افتد به او می‌گوید که از جنهٔ من ترا سیری حاصل نمی‌آید، مرا بگذارتاسه پندت بیاموزم. اولین پند را هم تا در دست تو هستم می‌گویم، دومین رابرام تو، و آن سومین پند را چون بردخت نشینم گویم و ترا از این سه پند نیکبختی حاصل آید. آنچه بر دستت گویم آن است که سخن محال را از هیچ کس باور مکن . چون نوبت دومین پند می‌شود می‌گوید برگذشته هیچ غم مخور . و آنگاه چون به درخت می‌نشیند تا سومین پند را بگوید ، قبل از آن که به بیان پند بیاغازد می‌گوید در شکم من ذری گرانها و بی‌مانند بود که ده درمسنگ وزن داشت وآن گویی ترا روزی نبود .

خواجه را از حسرت ناله بی سخت از دل بر می‌آیدکه به قول مولانابه آن غلغله و فریاد می‌ماند که حامله را هنگام زادن گیرد. اما مرغ اورا سرزنش می‌کند که آیا نگفتم برگذشته حسرت مخور ونه آیا پندت دادم که امرمحال را از هیچ کس مپذیر؟ من که تمام وزنم سه درمسنگ نیست ، ده درم سنگ اندرونم چون بود؟

وقتی خواجه به خود باز می‌آید می‌گوید اکنون آن سومین پند را بگویی، مرغ جواب می‌دهدکه آری به آن دو پند خوش عمل کردی که اکنون پند ثالث را هم رایگانt بدهم . مولاناهم مثل مؤلف قصهٔ بلوهرنتیجه میگیردکه پندگفتن باجاهل غافل، تحم افکنندن بود درشوره خاک! (بحردرکوزه، زرینکوب) /

سید آقا هنری هامبورگ، آلمان
«ما امریکایی ها غول و دبنگیم»
گفته بالا از کانگرسمن رورا باکر است هنگامی که نسبت جنگ شش روزهٔ اعراب با اسریل به سود ناتو تمام شد جهان اسلام سخت صدمه دید سران ممالک عضو ملل متحد درمقرملل متحد درنیویارک جمع شدند. به نمایندگی از مردم ما شهید میوندوال رئیس حکومت هم اشتراک ورزیدند.

یک روز قبل محترم عبدالرحمن پژواک رفیق صمیمی و هم صنفی اش که نماینده دایمی وطن ما درملل متحد بود، برایش گفته بود بیانیه ات را بده که من ببینم، درجواب شنیده بود بچیم اگر گپهای مره می شنوی بیا فردا در تالار بشنو!

نظربه استعداد خداوندی که پروردگارعالمیان نصیبش کرده بود هیچگاه هنگام ایراد بیانیه وی قلم و کاغذ در دست نداشت و دُر می سفت. این بیانیه اش که به زبان انگلیسی روان با ادبیات عالی و شجاعت مدت ۴۵ دقیقه را در برگرفت پخش شد، میوندوال از عقب مکروفون ملل متحد به امریکا وممالک غربی اخطار داد که دست ازپشتیبانی بیدریغ اسرائیل غاصب طفلك بکدانه تان بردارید وهم ازجنگ درویتنام، که حاصلش جزبدنامی، خسارات اقتصادی، تلفات جانی، دیگر حاصلی ندارد منصرف شوید!

وزیرخارجه امریکا زارزارمی نالید که میوندوال از یک مملکت غریب ما را بی آبروکرد میخواهد مارا درس بدهد! اکثریت رئیسان دول اورا ستودند، در وطن ما به اثرخواهش شنوندگان باربارازرادبو با ترجمه اش پخش شد.

جنگ ویتنام اگست ۱۹۷۵ به رسوایی وشکست افتضاح آمیزتلفات ۵۵ هزار عساکر، مصرف صدها ملیارد دالروصدها هزار معیوب که عدهٔ زیادآنها انتحار کردند تمام شد وتاریخ امریکا را با خط مشقی سیاه برای ابد در جهان نوشت. هشتادملیارد دالر مقروض ممالک که مهمات، خوراکه باب، البسه ودیگر ضروریات جنگ بود شد بطور مثال ازآن جمله ۶ ملیارد قرضدارمملکت دنمارک نسبت فرستادن مواد غذایی بود این ۸۰ ملیارد دالرا هم بدون پشتوانه چاپ و قروض خودرا پرداخت که ازآن به بعد دالر جهانگیرشد !

امریکایی ها بعد حادثهٔ ۱۹۱۱/ وتسلیم ندادن بن لادن تصمیم با اخراج طالبان از اوغانستان گرفتند به فکرنصب حکومتی نوی شدند، جارج بوش پسر از حضار مجلس مییرسد که برای این که خلای حکومت پیدا نشود بایدرئیس جمهور باشد رئیس سیا میگوید همین جا شخصی بنام کرزى دردلهلیز های دفاتر ما بالا و پایین می شود .بوش میگوید همانرا بگیرید. که بعدا صحنه سازی در شهر بن آلمان در ماه نومبر ۲۰۰۱ گرفته میشود.

درین مجلس ۱۴ تن حق رأی داشتند که کرزى فقط ۲ رأی بُرد اما سیا همان ۲ رأی را بر ۱۲معتبرخواند استاد معظم پروفیسر عبدالستار سیرت سابق مشاور ظاهر شاه وجوان ترین وزیر عدلیه در کابینهٔ شهیدمیوندوال واستاددردانشگاه کابل ودانشگاه القرا در مکء معظمه جریان را برابم چنین گفت من خودم در مجلس رأی گیری حضور نداشتم من دراطاق جداگانه با نماینده ملل متحد آقای لخصر ابراهیمی که به زبان عربی صحبت میکردیم برابم گفت رئیس جمهور ماه ها قبلا تعیین شده خودرا زحمت مده وقتی من از انتصاب آقای کرزى خبرشدم به هیئت امریکاگفتیم بیست سال است که در مجالس ما کرزى شرکت دارد یکبار هم از وی پیشنهاد معقول نظریهٔ قابل شنیدن باشد یا حس وطن دوستی در مقابل بیگانه پرستی نشنیدیم!

هیئت امریکا گفت وی پشتون است! برای شان گفتم محمود غازی پسر عم شاه پشتون وکار آزموده است که برای شما وما شخصیت مناسبی است ویا آقای واصفی که وزیر زراعت وکیل پارلمان و رئیس پارلمان بود انتخاب کنید. گفته های مارا چند باربا مقامات بالایی بردند و شنیدند اما واضحا گفتند انتخاب ما همان است که گفتیم. برای شان گفتیم هر روز باشد از انتصاب خود سخت پشیمان می شوید .

جارج بوش پسر گفته بود؛ من ازافغانستان دومین کوریای جنوبی میسازم ! واین بارید نامی شان بدتر ازآن بود قرار گفته جو بایدن ۱.۹.۲۱ با مصارف «روزانه ۳۰۰ ملیون دالر ۲۴۶۰کشته ۲۰۷۴۴ زخمی و روزانه ۱۸ نفر خودکشی میکنند»بعد از ۲۰ سال اول مذاکره و گفت گو را بدون اطلاع حکومت ما یا کدام نماینده ملت ما با طالبان که ۲۰ سال قبل آنهایی را که قتل عام کرده بودند سر مذاکره را باز کردندبعد یک سال چانه زنی ۲۰۰ حکومتی مارا بدست یک باند جهول بخشیدند ریش از ما واکش بدست دیگران که خود نمایانگرتسلیمی تمامی خاک ما بود سپردند .و با گرفتن تصمیم آنی بازهم ملت مظلوم مارا تنهای تنها گذاشتند .راه فرار را بر قرار ترجیح داده خودراسوای عالم وسرافکنی که ثبت تاریخ برای ابد ساختند . مانند هتلر به دست خود آباد کردند و به پای خودویران نمودند. امریکایی هامی خواستندازفاصلهٔ ۱۰هزار کیلو متری از

شمارهٔ ۱۰۸۶

پروفیسرداکترعبدالواسع لطیفی الکسندریه، ورجینیا
صفحاتی از سیر زندگیم در وصلت ودر هجرت
(۵)
حریم مقدس ومحراق برشکوه دیگری که محبت مرابخود جلب کرد وتاهنوز هیچ خدشهٔ درآن واردنشده است، همانا زادگاه عزیزووطن شیرین منست. از ایام کودکی ونخستین صنوف مکتب، این جملهٔ جاویدان که«وطن مابجای مادرماست »با تاروپود وجودم واعماق شعایرم وملکاتم آمیخته بود وازپیوند محکم وکیفیت دلنشین آن هیچ کاسته نشده است. درهمین لحظه که ازمحبتم به وطن محبوبم سخن میگویم، یادم میآیدقسمتی ازگفتارنغز وپرمحتوای محقق ونویسندهٔ توانا وارجمند، احسان یارشاطر که درین باره چنین نوشت: «ما دو گونه وطن داریم، یکی وطن خاکی ماکه بارهابه سم اسپان مهجمان ترک و تازی وتاتار(وامثال آن) کوفته شده وباز باتن ناتوان بپاخاسته وبه درمان زخم های خودپرداخته تابا بورش وغارت بعدی دست وپنجه نرم کند وزندگی دنیایش غالباً دستخوش آزار وستم حکمرانان وآزار وخشونت باج ستانان و تجاوزکار فرمایان بوده است، ویاشاهدماجرای آشفته وخون آلودیست که غم نامه های سوزناک درقبال آن رنگ میبازند وهرچندی برای درمان دردپنهان خود دست دردامن شیوه ای میزندوعلاج تازهٔ رامیآزماید، اماضعف درون، نقشهای اوراباطف میکند وبرحسرتش می افزاید...

وطن دوم ماوطنی است که درآفاق ذهن ماخانه دارد، وطنی است روشن ودل انگیز بارنگهای شفاف ودیده فریب، درآن رودکی چنگ برمیگیرد وسرود شادی ونغمهٔ مستی مینوازد، فردوسی داستان دلاوربهای قهرمانان رابه آهنگ پهلوانی سرمیدهد، ابوسعید ازصفای درون ودستگیری مردمان وپرهیز ازخود فروشی سخن میگوید، نظامی ظرافت عشق وشوق را باقلم موی کلمات به استادی ترسیم میکند وهمهٔ مارا به تأمل درحکمت واخلاق میخواند، سعدی آدمیت وعدل پروری وپوزش پذیری وخدمت به خلق وزیبایی آنهارادر نظر ما ترسیم مینماید وباجنگ ودف مارابه عاشقی ودلدادگی وتماشای جلوه های طبیعت دعوت میکند، ومولوی شور وشیدایی خودرابا بانگ بلند به گوشهامی رساند، حافظ پرده از زرق صوفیان وربای زاهدان وسالوس فقیهان ومحتسبان برمیگیرد ونوای عشق وآزادی را به آهنگی لطیف درگوش مازمزمه میکند..

درآفاق این وطن نمونه های الهام بخشی ازعطوفت وبنده نوازی وصفای باطن است، خار ازپای بتیم کندن واشک ازگونهٔ بینویان ستردن وتهیدستان را دستگیری کردن وپوزش گناهان را پذیرفتن و پدر ومادر راسپاس داشتن وبر حیوانات ترحم آوردن و خطا های خودرابخاطرداشتن وفروتنی گزیدن است.

وطن خاکی مایپوسته در معرض آفات است ووطن معنوی مابرعکس ازگزند باد وباران ودستبرد ویرانگران حوادث درامان، آذرخش آنراتیرگی اعمال ما زایل نمیکند، گنجی است که ازآن ماست، زنده و پایداراست...! »

عزیز آریانفر

هشدار! پروژه استحاله طالب به داعش و نبرد تمام عیار همه در برابر همه در راه است

آری! در برنامه است که بخشی از طالبستان داعشستان شود تا پروژه اصلی پیاده شود. گزارش هایی می رسد از بدخشان و تخار و برخی دیگر نقاط که برخی از فرماندهان بومی طالب با دریافت مبالغ گزاف پول از منابع نامعلوم، دستارهای سفید را به دستارهای سیاه عوض و به جای درفش های سفید طالبی، درفش های سیاه داعشی برافراشته، شعارهای مرگ بر طالبان و زنده باد داعش را سر داده اند. بیگمان این روند شتابان ادامه خواهد یافت و دیری نخواهد گذشت که بخشی از طالبان زیر پرچم داعش خواهند رفت و گروه های تازه نفس داعشی از راه رسیده، به آنان خواهند پیوست.

در کل با توجه به تضعیف نیروهای مردمی و هموار ساختن بستر گرم و نرم برای دهشت افکنان از سوی محافل و حلقات معلوم الحال خارجی و ترنفدهای ناسخته باند مافیایی غنی، کشور وارد فاز نوی از بحران پیچیده و سر در گم چند لایه گردیده است که بالقوه می تواند سرزمین ما را به کارزار کارروایی های دهشت افکنان رنگارنگ و جنگ های بی پایان فرسایشی ابرقدرت ها و قدرت های منطقه و گروه های داخلی مبدل سازد. (دنباله در صفحهٔ هفت)

واشنگتن توسط دست نشاندۀ سیا برما حکومت کنند. آنهايیکه فرق باميه و باميان را نمیتوانند. اما فقط با انتخاب جاسوس احمق خودآرزوی ملت مظلومی را نادیده گرفته کرزى مزورومکار را که هیچ گونه تجربهء کاری نداشت وطن ما را تسلیمش کردند در حال که مارا به مرگ گرفته بودند که به تب راضی شویم !/(اداره: بخش پایانی نگارش بالاکه عنوان فوق راتوضیح میدهد، در شمارهٔ آینده، ان شاءالله تقدیم خواهدشد.)/

ماری خلیلی ناصری

فیرفکس ، ورجینیا

بیرق ما

بیرق ما چه خوب قشنگ است

سیاه و سرخ و سبز رنگ است

محراب و مُنبر نشان ما

هست عزیز تر از جان ما

این دو بیت اولین ترانهٔ بود که در اولین کلاس درسی در مکتب به ما یاد داده بودند، و هرروز آن راقبل ازشروع درس، به صورت دسته جمعی در کلاس به آواز بلند می خواندیم .

فکر می کنم اواخر ماه حوت بود، چون هنوز کناره های جاده از برف پوشیده بودند، آن روز من هفت سال داشتم. در آن زمان شاگردان رادرسن هفت به مکتب شامل می کردند . من درحالی که دست بدست مادرم برای شمولیت به مکتب می رفتم . مادرم که خانم فهیمی بود مثل همهٔ مادران دیگری کوشید با نصایح سومندش مرا واردیک فصل دیگر درزندگی سازد .

خوب آهسته آهسته به سرک اول کارتهٔ چهار رسیدیم ولوحهٔ لیسهٔ رابعهٔ بلخی از دور نمایان شد وبیرق افغانستان با سه رنگ سیاه، سرخ و سبز که در بام لیسه درحال اهتزاز بود، از دور دیده می شد .

من در حالیکه نگران داخل شدن به یک دنیای جدید بودم، خیالات وترس های کودکانه ناراحتم میساخت، ناگهان صدای بلند مادرم مرابه خودآورد که می گفت: میدانی آن پایهٔ بلند باپارچهٔ به رنگ های سیاه وسرخ وسبزدربام مکتب چیست؟ گفتم: بلی بیرق است . این بار مادرم باصدای بلندتر و مستحکم تر گفت: دخترم متوجه باش ! این تنها یک نام برای بیرق نیست، و این سه رنگ نمایانگر فصلی از تاریخ کهنسال کشور ، بیانگر جنگ ها، استقامت ها خونریزی ها، پیروزی ها و سنبول شناسایی ما در جهان است !

امروز تماشای فرودآوردن بیرق افغانستان، حرف های مادرم را درگوش هایم زمزمه می کرد . این حرکت توسط طالب بچه ها، اشک ندامت را از چشم هزاران افغان وطنپرست، در داخل وخارج کشور جاری ساخت !./

حسن علی عدالت

بی‌وفایی احمدزی به وفاداری سرور دانش
شاید هیچ کسی در دنیای سیاست به اندازه آقای دانش و یارانش به اشرف غنی احمدزی وفادار نبوده باشد. نامبرده و یارانش کوچکترین انتقاد رابه آدرس غنی احمدزی نه تنها که قبول نداشتند بلکه به شدت انحصار، تبعیض، تعصب، فساد وفحشا راتوجیه می کردند و از بس که وفادار به اشرف غنی احمدزی بود یکبار اشرف غنی احمدزی از روی فریب و چالبازی دانش را برادر خوانده بود در حالیکه دانش و یارانش بی خبر از تصمیم گیری های درون ارگ بودند و در روز فرار اشرف غنی احمدزی با پنجاه و یک نفر و یکصد و شصت و نه ملیون دالر دانش بی خبر می ماند. چنان بی خبر می ماند که در ارگ می رود و می بیند که در دروازه ارگ مانند روزهای گذشته محافظین وجود ندارد بازهم به پیش می رود تا اینکه در جلوی دفتر اشرف غنی احمدزی یکی از محافظان برایش می گوید که احمدزی فرار کرده است با آتهم در دفتر کار خود می رود تا اینکه بسم الله محمدی تلفن می زند که از کابل فرار کنید که همه فرار کرده اند، بعد خانه می رود و از خانه داروندار خود را گرفته به میدان میرود و ازمیدان بسیارمشکل و بعد از ساعت ها انتظار به ترکیه می‌رود و اکنون سرش به سلامت باشد و زندگی خوبی داشته باشد.

آقای دانش آنقدر بیگانه با سیاست بود که سه روز قبل از سقوط اعضای دفتر خود را در خانه خود جمع می کند که حزب جدید را به سرعت سازماندهی کنند و یکی از اعضای جلسه برایش میگوید که اکنون کار از کار گذشته است باور نمی کند.

از نگاه اقتصادی هم آقای دانش کم طالع است یک مقدار پول را که رقم درشت است شخصی به نام حاجی قربان زیر نام تجارت در قزاقستان انکار کرده است و یک مقدار کافی پول دیگر را در ترکیه که نزد یک قربان نام دیگر برای تجارت مانده بود آن شخص دو ماه قبل به اثر مرض کرونا فوت کرده است و فرزندانش آقای دانش را جواب داده است و اکنون معلوم نیست که آقای دانش در جمله میلیونران است و یا خیر و یا اینکه همه اندوخته هایش قربانی دو قربان گردیده است.

سیاست در افغانستان پیچیده است ، و هرکه سیاست می کند باید متوجه عواقب سیاست باشد که سیاست دوست و دشمن ندارد . آقای دانش و یارانش اگر کوچکترین توجه به انتقاد های سازنده منتقدان می کردند ، چنین بی خبر از قضیه نمی ماندند./ (فیسبوک نویسنده)

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

همه میدانیم که لبنان کشوریست با اهالی مسلمان و مسیحی و سایر مذاهب و ادیان، بهمین خاطر مدلل حکومتی اش، صدراعظم مسلمان، رئیس جمهور مسیحی و رئیس پارلمان از اقلیتها میباشند. جولیا پتروش شهرتش مرز شکن شده و شهره آفاق گردیده، در ۱۹۹۶ با الیاس ابوصعب رئیس دانشگاه امریکایی بیروت و زمانی وزیر دفاع کشورش هم بود، عروسی کرده و صاحب دوفرنزنده نامهای سامر و طارق است. این خانم مبارز و وطن دوست بشر پرور با طرح بسیج ملی و اجرای آهنگهای حماسی انقلابی و میهنی رو آورد و دفاع از حق مظلومین و ایستادگی در برابر ظالمان را در آهنگهایش بازتاب داد. او بخاطر مظلومیت مردم فلسطین صدایش را بلند نمود و جهان عرب و جهانیان را به همبستگی و باز بینی دعوت نمود.

جولیا جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل را در قالب آهنگ حماسی و میهنی در آورد که مرز شکن شد و مدال صدا و هنرمند شایسته لبنان را کما می نمود. او گفت در ترانه هایش (نترسید خدا با ماست، و خدا قوی تر از همه است)، ترانه های او که (انقلاب ایمان ماست، درین راه پیروز میشویم) این خانم مسیحی با آهنگ (خورشید حق) بزرگترین نشان دولتی را از رئیس جمهور لبنان گرفت و در سطح جهان از او قدردانی شد. اوبه کرسی نشاند که هنرش در خدمت خلق و انبانی بشر است.

بلی ۲۱ جون روز اول تابستان روز هنر است که با گرمایش زمین، برای آسایش و جهش بصوب موسیقی دهکده جهانی را با هم وصل میکند، و خوبست که درین حساسترین مقطع زمانی بسا هنرمندان چیز فهم و مردم دوست با قلم، قدم و آهنگ و ترانه رفع مسئولیت نموده در رخنماها و رخ نامه هایشان یادداشتی را نشر نمایند و حالت موجوده را برتنبند. تصمیم دارم یکی از سروده های قدیمی ام را که با شرایط فعلی وفق میکند به هنرمند عزیز بدیم که مثل جولیا پتروش به شکل حماسی و میهنی پر طنین و پر شور بسازد. اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان پیشنهاد نمودند که شعرم به هنرمند عزیز خانم آریانا سعید داده شود و ما این نظرا احترام نمودیم. مطلع آن چنین است: پایان چه شود عاقبت کار خدایا - درخیمه نه برق است و نه آبی و نه نانی - زین رنج فراوان شربار بگیریم... بقیه در مقال و مجال دیگر. /

هوشدار ...

همان گونه که بارها و از سال ها پیش هشدار داده بودیم، سیل بنیاد انداز داعش به سوی کشور روان است و هسته های نخستین داعشی در سرزمین ما می تواند در آینده نزدیک به پایگاه های بزرگ داعشی مبدل شود که منافع چین، ایران و روسیه و نیز کشورهای آسیای میانه را هدف خواهد گرفت. بیگمان جنگ گروه های گوناگون طالبان میان هم، جنگ طالب و داعش و جنگ مجاهدان با هر دو و همین گونه با سرازیر شدن گروه های دهشت افکن گوناگون پاکستانی، جنگ میان این گروه ها و سایر باندها آینده تیره و تاری را برای کشور رقم خواهد زد که با نبردهای اطلاعاتی سازمان های جاسوسی خارجی گره خواهد خورد.

بیگمان بزودی روسیه، هندوایران هم به پویاییهای اطلاعاتی خود خواهند افزود. کما اینکه تکاپوهای اطلاعاتی امریکا، انگلیس، اسراییل و ترکیه و چین هم به گونه بی پیشینه افزایش خواهد یافت.

غنی عمدا کابل و بخش بزرگی از کشور را به احزاب و گروه های غلزایی سپرد و اکنون کابل و چند ولایت کلیدی در دست جنگجویان شبکه تروریستی حقانی است. این در حالی است که طالبان قندهاری به رهبری ملا یعقوب، پسر ملا عمر تلاش دارند خود دست بالاتری پیدا کنند. طالبان قطر نشین به حاشیه رانده شده اند. روشن است سایر گروه های طالب مانند گروه ملامنصور و ملا داداله هر کدام ساز خود را می نوازند و دهل خود را می درانگاندند.

اینگونه، کشاکش میان گروههای گوناگون طالبان از یکسو، و اظهار هستی داعش و سایر گروه های دهشت افکن از سوی دیگر در پهلوی گسترش پنهان و آرام حزب التحریر از سوی دیگر در پهلوی حضور القاعده و ده ها گروه دهشت افکن دیگر که ریسمان همه شان در دست پاکستان است، کشور را به بیابان رستاخیز مبدل ساخته است تا دیده شود که کار به کجا خواهد کشید! /

طبق ماده ۳۰ آن هر کسی حق دارد در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور و محل اقامت خود را انتخاب کند. هر کسی حق دارد در کشوری و از جمله کشور خود را ترک یا به کشور خود باز گردد. در حالیکه بیش از پنجاه هزار خانواده افغانستانی که با عساکر ناتو و امریکا بنام ترجمان همکاری کرده اند، تلاش دارند تا ۱۸ هزار مترجم را به امریکا منتقل بسازند، و برنامه انتقال آنان هم اکنون جریان دارد، و تعدادی از آنان را که زمینه انتقال فوری شان فراهم نیست به کشوردومی مثل قطر یا بحرین برده و پس از تکمیل اوراق مهاجرت شان به امریکا خواهند آورد. جالب است که غنی احمدزی قبل از فرار شرم آورش در سفر اخیر به امریکا گفته بود که انتقال ترجمانها در همچو احوال باعث ضعف مورال قوای مسلح و امنیتی خواهد شد!

با آنکه جندی قبل عده از ترجمانان در مقابل سفارت امریکا مظاهره کرده و خواهان رسیدگی امریکاییه انتقال آنان شدند، طالبان گفتند که پس از خروج قوای ناتو و امریکا، به ترجمانان صدمه نمی رسانند، اما بسا از سناتوران و کانگرسمنها برخارج ساختن آنان توسط دولت امریکا اصرار ورزیدند. از قضا ماهم وزارت بنام مهاجرین داشتیم که وزیرش سهم سپیدار بود، این وزارت هم در کارش موفق نبوده است.

ماه آینده روز دیگری هم در سطح جهانی بنام روز هنر تجلیل خواهد شد. انسان در جهانی که زندگی میکند برای فایز آمدن به مشکلات باید از هنر و هنرمند استمداد جست و موسیقی گوش بدهد، شعری بخواند و بشنود یا از دکلمه اشعار خوب لذت ببرد. بتهوون اسطوره موسیقی جهان گفته موسیقی یک الهام درونی و برتر از هر خردی است! موتزارت بیان داشته که موسیقی هیچگاه نباید گوشها را آزار بدهد و بخراشد. باید شنونده را به لذت برساند، و بقول دیگر ماهیت و کیفیت موسیقایی اش را حفظ نماید. مثلی که لویی آرمسترانگ گفت موسیقی دانان هیچگاه باز نشسته و متقاعد نمی شوند، آنان زمانی کار خود را متوقف میکنند که دیگر آوایی از درون شان بروز نماید.

بهر حال، باتشکیل ملل متحد، ایجاد نهادها و روزهای قابل تجلیل در سطح جهانی افزایش یافت، شورای بین المللی موسیقی توسط موسسه تعلیمی تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۴۹ روز تجلیل از هنر را هسته گذاری کرد و هدفش تبلیغ و ترویج موسیقی و همبستگی زبانی و هنری و خصوصاً که موسیقی یاموزیک زبان مشترک و غذای روح و روان آدمی پنداشته میشود، تا بالاخره روز تاروز هنرمندان جید و بزرگ به شورای بین المللی مجرایهایی ارائه نمودند و به گسترش و وسعت رسید.

یکی از هنرمندان واز نوازنده گان بزرگ جهانی بنام لرد مینوهین که ویلون رادر سطح جهانی تدریس میکرد به شورای International Music Council نظریات و پیشنهاداتی در سال ۱۹۷۳ ابراز نمود تا بر آن افزوده شود. البته بتهوون هنرمند بزرگ هم با اقدامات و کارهای نادرش عصر کلاسیک و رومانیک موسیقی را در هم آمیزی نمود و نظریات بزرگان هنر و فرهنگ جهان را به شکل یک بسته یا پکیج در آن افزود، تا اینکه در سال ۱۹۸۲ ژاک لانگ وزیر فرهنگ فرانسه روز موسیقی را در ۲۱ جون اعلام داشت و همانروز را رخصتی در کشورش اعلان کرد، و بعد این روز بخاطر همان پیشنهاد و نظر ژاک از نام فرانسوی اش برگرفته شد.

بلی، موسیقی یا موزیک به هر نو اوصدایی گفته میشود که شنیدنی و خوش آیند باشد و انسان و موجودات زنده را دچار تحول و تغییر و شور و شعف بسازد. چون که بیان احساسات انسانها و زنده جانان پنداشته میشود که هم کیفیت دارد و هم سکوت و هم شادی. اصلاواژه موسیقی که گویند از زبان یونانی گرفته شده، از کلمه Mousika موسیقه یا موسیکه اشتقاق یافته از کلمه Muse میباشد که بقول کوین وقتی خود را وقف آن کنی به ماهیت خود نزدیکتر میشوی. نام موسیقی را گویند که اسم رب النوع گریک از گریس حافظ شعروادب و موسیقی و نواختن چندین آله موسیقی در یونان باستان میباشد، که در زبان اوستایی و حتی در متن هایی از سروده های ویدی به بعد بنام (خیا) هم یاد شده که خونیاک و هونواک هم از آن یاد شده که (هو) ی آن بمعنی نیک، زیبا، خوش (هومن) معنای نیک اندیش و نیک بیان و نیک ادا. نواک به معنای نوا و آوا که به صورت مجموع همه نامهای بالا به معنی (نوا خوش و قریحه شکوفا) است و پیشوند (خو) راه فحوای اینکه خوب، خوش و خندان، در کلمات دیگر چون خسرو، خرم و خندان نیز ربط میدهند. هدف موسیقی با وجودیکه غذای روح و روان آدمیست، تبلیغ و ترویج صلح و همزیستی مسالمت آمیز و حرمت به زبان و کلام بخاطر آرامش خاطر همگانی و هكذا اجرای موسیقی ناب و نوازندگی والا و بالا و با کیفیت شمرده شده است.

در آستانه روز جهانی موسیقی از خانم جولیا پتروش هنرمند معروف و مشهور لبنانی یاد شده که متولد سال ۱۹۶۸ میباشد و در بیروت بدنیا آمده و عیسوی است.

مشتاق احمد کریم نوری

شمال کالیفرنیا

اهدایه هنرمندان چیز فهم و مسئولیت پذیر

به سلسله مقالات بقیه دار این قلم، در ارتباط به حرمت فرهنگها... از خوان این بزرگان دستی بشوی و بگذر

کاتاجا ز خوردنی ها غیر از قسم نباشد! این نوشته در شروع خزان و فصل پائیز برگریزان بجاب میرسد، و اسامبله عمومی ملل متحد در همین ماه در هفتاد و ششمین مجمع عمومی آن سازمان برگزار میشود، و ماهی که گزینه صفر سازی عساکر خارجی نبر از افغانستان به قوت خود باقیست. از اوضاع قسمی بر ملا میشود، بقول ستوال خبرنگار و آقای مشعل که در همان نقطه که بودیم پس رسیدیم. در آنوقت او را تردید نموده بودند، ولی بعدها گپ او از طنز و مطایبه تعویض یافت، به نحوی که ستوال شوند نیز با تبسم تلویحاً صحنه گذاشت. همه حال اوضاع و احوالی که سالها و دهه هاست بروفق مراد نمی باشد. شد سالها که یوغ اسارت کشیده ایم - برخیز با تنگ پدر انقلاب کن!

نامه سر کشاده اخیر ما به سازمان ملل و آنتونی گوتراش سر منشی آن حاوی این مطلب بود که بکشید برای یکبار هم اگر شود در افغانستان یک سر شماری دقیق صورت بگیرد. ملت با به کجارسیده اندولی در ملک ما هنوز احصائیه های نفوس و سایر ملاکها هنوز همه بر تخمینات استوار است! و بر حدسیات و چرندیات! آقای گوتراش یکبار در دوره کارت ازین جنبه بزرگ جهانی این افتخار را کما می کن که ملت دردمند و جور داده شده افغانستان و اقوام با هم برادر و برابرش یکبار بدانند در کشورشان تعداد واقعی نفوس چند است؟! جناب سر منشی، شام در کشورتان، پرتگال، تاصدارت عظمای آن کار کردید، شما مدت ها کمی سار عالی پناه گزینان و مهاجران بودید و اکنون درین جنبه جهانی بمنابته شخص اول قرار دارید. در جمله افزون از ۱۹۰ کشور، چند کشور شامل نقشه گیتی و عضوین سازمان خواهد بود که هیچگاهی در آن سر شماری نشده باشد؟

اداره ملی احصائیه در بر آورد تازه دیگرش بازم به حدس و گمان گنجد دیگری رارقم زده و اعلام داشت که بنابر بر آورد در سال ۱۴۰۰ خورشیدی نفوس افغانستان حدود ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، حدود ۱۷ میلیون و صد هزار مرد، که ۵۱٪، و حدود ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار زن تقریباً ۴۹٪ میباشد. طبق همین تخمین (خدای بجای) ۲۳ میلیون یا ۷۰٪ روستائین و ۸ میلیون یا ۲۴٪ شهر نشین اند و یک ونیم میلیون هم (کوچی)!!! که ۵/۴٪ را احتوا میکند. این در حالیست که آن اداره (که باید نامش را اداره ملی حدسیات و قیاسات و تخمینات گذاشت!) در بر آورد دیگر در این سال جمعیت مرکز کشور (که هر مقام حکومتی و هر رسانه خبری سرکاری ارقام متفاوتی ارائه میدارد) ۵ میلیون ۳۸۵ نفر خواهد بود، دو میلیون ۳۷۹ مرد و دو میلیون و ۷۳۹ هزار زن. ناحیه ۷ شهر کابل زیاد ترین نفوس را داراست، در حالیکه پغمان در میان ولسوالیهای کابل پرنفوس ترین شمار شده است. من در چندین برنامه تلویزیونی در ریجه سخن درین باب صحبت های مفصل داشته ام و سقوط همه این ولسوالی را از پیش گفته بودم. من در آن برنامه هابرسی ارائه داده ام که طی دهه ها از جمله دوده پسن هیچ تغییر مثبتی در زندگی این ولسوالی های با حکومتی هانیامده، در حالیکه وزارت هم داشته ایم بنام انکشاف دهات و بقول همزبانان تاجیکستانی ما (وزارت کشادگری قریه جات)، و برنامه هایی گویا (همبستگی ملی)؟! که همیشه بالای و گزاف و پتاق از آن میکرده اند. در حالیکه در بعضی ازین حکومتی های قابل هم وجود ندارد و اگر کدام (کمپو در) هم باشد، به مریض زن یک تار را به بازوی خانم یا (سیاهسر) میندد (که درست آن سایه سار است)! و سردیگر را به طیب یا حکیم میدهد. در چنین اوضاعی اگر شخص با سوادی را برای رهنمایی مردم به این حکومتی هابفرستند، بعضی مردم آنها را می کشند، یا سطح فکرشان در حدی است که طالبان را در منازل خویش جا می دادند تا بر قوای دولتی حمله نمایند!

در صورتی که بسا وزیران انکشاف دهات میلیونر شده اند، این وزارت یک سهمیه میان ارگ و سپیدار دست بدست گردیده، هر چند زیاد تر مربوط به ارگ بوده، حنیف اتمر ازین وزارت آنقدر در یک موقعیت خوب مالی رسید که حزب شخصی ساخت و تا اخیر چندین وزارت را گشت و گذار کرد و با سقوط و فرار غنی احمدزی، او هم به لندن رفت و پناه گزین شد!!! منتها صاحب ملیون هادالرمم میباشد، و دیگر از حزب حق و عدالتش خبری نیست!

۲۰ جون روز جهانی پناهانده بود و از سوی ملل متحد تجلیل گردید. کمیساری عالی پناهندگان در ۱۴ دسمبر ۱۹۵۰ بنام UNHCR تاسیس شد. در حال حاضر بیش از پنجاه ملیون انسان بخاطر جنگها و خشونتها در جهان سرگردان، نالان، پریشان و مهاجران اند، و ۳۳ ملیون دیگر در مملکت خودشان آواره اند و حدود ۶/۱۷ ملیون دیگر در کشورهای همسایه شان پناهانده اند. اعلامیه جهانی حقوق بشریک میثاق و پیمان بین المللی است که مجمع عمومی بتاريخ ۱۰ دسمبر ۱۹۴۸ به تصویب رساند. اعلامیه در نتیجه جنگ جهانی و برای اولین بار حقوقی را که همه انسان های گیتی مستحق اند، بصورت عمومی واقعی و جهانی بیان نموده است.

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Maid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 30, Issue No. 1086, SEPTEMBER 21, 2021, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسۀ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسامبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون ۶۳۲۱ ۴۹۰ ۷۰۳
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge
VA 22192—7075 U. S. A.

هیلا صدیقی

برای احمد مسعود مینویسم...

احمد پسر قشنگ پنجشیر، با آن چهره‌ی زیبای شرقی و چشمان خالص ایران کهن، که بوی ادکلن‌ها را می‌شناسی و آداب لباس پوشیدن و راه کتابخانه‌ها را می‌دانی و وقتی پکول بر سر می‌گذاری شبیه کاشی مربع فیروزه‌ای وسط بنای مدرنی در تهران، معماری وجودت اصیل‌تر می‌شود... امید که هم‌ریشه‌ها مان چون چایپارهای کهن در هم‌رسانی این کلمات یاری کنند تا از این پستخانه نامرئی مجازی به دستت برسد

این روزها بیش از همیشه به تو نزدیکم چون ما هم همچون تو از افراطی‌گری و تندروی دینی طالبانی خسته ایم! تو در حقیقت خشم و بغض فروخته مایی، بغض و خشمی که دیرگاهی است مغلوب ترس و لذت‌های رقت‌انگیز مان شده .. تو و یارانت هم دوره و هم سن و سال خیلی از ماها هستی، ماهایی که مغلوب زست عکس اینستاگرام و لایک‌ها و تعریفهای الکی شده ایم!

اماتور برخلاف ما، ایستاده ای و مردانه می‌جنگی... روی کاغذ شاید تا چند روز دیگر شکستت دهند. روی کاغذ اما چه اهمیت دارد؟ مهم تاریخ است که در آن خواهند نوشت تسلیم تفکر طالبانی نشدی و ایستادی! مگر پدردت را توانستند بمیرانند؟ او از همیشه زنده تر است...

تو تازه متولد شده ای؟ از روزیکه در برابر تفکرات طالبانی قد علم کردی تازه به دنیا آمده ای، دنیایی که قبل از آن تو را نمی‌شناخت... تو تمام نمی‌شوی، چون در درست‌ترین جاییکه یک آقا زاده میتواند بایستد، ایستاده‌ای. خون‌ات هم هدر نمی‌رود، چون قرار است پای درخت بیداری و آگاهی ریخته شود.

بچه‌هایی که هنوز معنی دلت و عزت را نمی‌دانند، خیلی زودتر از آن‌چه فکرش را بکنی، عکس‌ات را به دیوار اتاق‌شان می‌چسبانند و با همان تفنگ‌های چوبی اسباب‌بازی، آدای احمد مسعود بودن را در می‌آورند.

تو دیر یا زود، از یک جای سرزمینات بیرون می‌زنی و اسم رمز مبارزات آزادی خواهانه می‌شوی.

اما اگر برخلاف رسم تاریخ این سرزمین برسیاهی و جهل پیروشدی از تو می‌خواهم از قلمرو شگفت با حافظ، مولانا، سعدی، فردوسی، رودکی، نظامی، خیام، بیدل و با دل مراقبت کنی.

آنجائگی توانی درخت بکاری، کتابخانه و سالن سینما و تئاتر بسازید، کبوترخانه بنا کنید، رباب و چنگ و غیژک بر آورید و به کودکان موسیقی و نقاشی و بادبادک‌سازی بیاموزید، بر اسکناس‌ها بتان تصویر هیرمند و هریرود و آمو، پلنگ سفید و قوچ و کبک و آهو و قله‌های نوشاخ را نقش کنید.

به قلب‌های مردمانت اتکا کن که از هر سلاحی نیرومندتر است و می‌تواند خرم را به آباد خانه‌ات بازگرداند.

برایت نوشتم چون دور از تمام هیاهوهای دور و برت، در تو جوانی دیدم که شعر پیراین سرزمین را از برمی‌خواند.../

(اداره جریده امید : بانوی ایرانی، شاعر شیرین کلام و نویسنده معتبری هست که بیشتر اشعارش را خود دکلمه می‌کند. خانم هیلا صدیقی نامه اش را به فرمانده احمد مسعود هم به صدای خوب و دلکش خود دکلمه و ثبت و اهدا نموده است. علاقمندان می‌توانند اشعار و آثار او را در گوگل بیابند.)

احمدشاه مسعود تمثال آزادی

در میان مردم مهاجر ما در آمریکا و اروپا برای جلوگیری از برسمیت شناختن رژیم خون آشام طالبان نقش بسزایی داشتند. با دردت و حسرت که دشمنان خاک و مردم ما بعد از سقوط طالبان آرام ننشسته برای تسلیمی مجدد تو به طالبان مزدور، با وجود اینکه میدانند طالبان برنامه پاکستانیهاست، از هیچگونه نیرنگ و فریب



موافقتنامه برای آوردن صلح ...

و تندوست در مقابل تعمیر ملل متحد در نیویارک و در یک زمان مساعد به مظاهره اقدام نمایند.

۱۱- اضلاع متحده با مداخله در امور داخلی جمهوریت اسلامی افغانستان، «امارت نام نهاد» را حمایت نموده تشویق کرده است که «حکومت جدید اسلامی» را برگزار سازند. این خلاف روابط بین الدول است. اضلاع متحده در حقیقت افغانستان را در یک پتنوس نقره ای به پاکستان از طریق طالب ظالم اهدا کرده است.

۱۲- امضا کنندگان موافقتنامه اشخاصی اند که پشتون بوده پاسپورت های امریکایی دارند و بطرفداری قوم خود مساعی مزید بکومک پاکستان بخرج داده اند نه برای خیر و امنیت افغانستان.

۱۳- دیده میشود که افغانستان به مقاومت مجبور ساخته شده است و مسؤولیت عواقب وخیم آن به دوش اضلاع متحده، پاکستان و طالب ظالم است. امید روزی قانوندانان افغانستان مثلیکه قانوندانان یهود، نازی‌ها را به پای محاکمه کشانیدند مسؤولین این فاجعه را نیز درهاگ به محاکمه بسپارند زیرا به باور من ملل متحد از دفاع مظلومین عاجز ماند و نوکر قوت های بزرگ شد.

۱۴- لازم است تا یک موافقت نامه متمم با در نظر داشت نکات فوق از طرف دفتر دکتر عبداللہ رئیس جمهور با رای های بیومتریک مردم افغانستان، ترتیب و ارائه گردد؛ مسؤولیتی است که باید جدی گرفته شود!

۱۵- در جریان این نوشته بودم که با دوست عزیزم پروفیسر حمید هادی به تماس آمده درباره افغانستان و امضای «موافقتنامه فریبنده» درد دل داشتیم و هم اجازه داد که گفته های وی را در پایان نوشته خود جا دهم. پروفیسر هادی به من یاد دهانی کرد که: «در نیمه دوم قرن ۱۹ سفیر انگریز و روسیه سرحد شمالی مارا به مفاد روسیه با جاهای زیبا و دیدنی آن اعطا کرد و دریای آمو را برای ما سرحد شمالی ساختند ولی امیرعبدالرحمن خموش نشست. با امضای معاهده دیورند قسمت های حیاتی سرزمین ما را امیر به هند برطانوی تسلیم کرد. از روسیه دفاع نکرد زیرا در آنجا پناه گزین بود و به انگریزها تسلیم شد چون معاشش را دوجندان ساختند و چند اسلحه برایش وعده دادند.» امروز امریکا بکومک چند «زی» «ها خیانت قویتر در حق مردم افغانستان روا داشته است؛ همه افغانستان را چون مرحله دوم معاهده دیورند به پاکستان در جریان تسلیم کردن هستند (مرحله سوم رسیدن به دریای آموست). یعنی این سلسله سلاطین و رئیس جمهورها به تمامیت ارضی اهمیت قابل نشده به مفاد شخصی خود و خوش نگهداشتن باداران خود استفاده های سوء نموده اند و مردم مظلوم افغانستان را به خاک و خون نشانده اند..... ممکن این بار با بیداری مردم، جوانان مبارز و همه شمول قصه طور دیگر باشد. منتظریم که جبهه مقاومت تا چه حد با عقل و منطق، درایت و درک خدعه‌ها، و توطئه های فریبکارانه داخل و خارج مرز مقاومت داشته «افغانستان همه» «را از جنگ این دزدان و فساد پیشگان نجات داده عدالت و مساوات و امنیت برقرار می سازند. ومن الله التوفیق./

و توطئه دریغ نکردند و بعد از بیست سال واندی این گروه ددمنش را بر سینه های سوخته و قلبهای پاره مردم ما نشانند.

جالب است که این بار هم اشخاص خاین قبلی چون خلیل‌زاد، احمدزی و کرزی در بقدرت رسانده مجدد طالبان نقش خود را یکبار دیگر بازی کردند و وظیفه خود را انجام دادند و به کمک و همدستی خارجی و داخلی شان چون محب، فضلی، داوودسلطانزوی، جمعه همدرد، فضل الرحمان مومند و اختر لچک و اظلام مانندانینان، خاک مارا به طالبان و پاکستانی هاتسلیم کردند و خود چون دزدان و قطاع‌الطریقین با پشتاره های دالرازیبت المال فرار نموده ریکارد خیانت ملی، وطنفروشی، بیغیرتی، دون صفتی و چاکری راقائم کردند! نام این انسانهای بدنام و خاین و وطنفروش در صفحات تاریخ کشور به خط سیاه نوشته و نفرین و لعنت نسلهای بعدی نصیب آنان خواهد شد.

احمدزی این خاین ملی و جاسوس مزدور و مرموز و بزبدل نوکر صفت در تاریکی شب دالره‌های بیت المال را گرفته دزدانه فرار کرد! و خاطرۀ نیاکان خاین و دون صفت خود را یکبار دیگر به اذهان مردم تازه ساخت، مردم را بخون نشانند و وطن مارابه پاکستانیها تسلیم کرد.

ماین گذاری ها در افغانستان

خواهان استعفاى او بودند، کابل را خالی یافتند و داخل کابل بدون داشتن هرگونه آمادگی دولت شدن، این امر رنگ طالبان را در برابر مردم دیگر گونه جلوه داد که خطرات بعدی را برای آنان می سازد.

بانک جهانی قطع رابطه کرد، حسابات ۹،۵ میلیارد مسدود گردید، صندوق وجهی ۴۵۰ میلیون دالر کمک این صندوق را معطل قرار داد.

قیمت ها صعود کرد، معاشات مامورین تادیه نگریدید، سر نوشت ۳۵۰۰۰۰ سرباز و افسر قوای مسلح ما نامعلوم ماند.

۵- ماین برای امریکا و غربی‌ها؛ با برآمدنش حالت متشنج برای امریکایی‌ها و غربی‌ها ساخت، واگذاری ولایت‌ها و قول اردو‌ها که افراد نزدیک به او، دستور آنرا صادر می کردند، پیشبینی غربی‌ها را که بر اساس گفته‌های او در مورد قوت های مسلح افغانستان استوار بود نقش بر آب کرد.

مفکوره امریکایی زدایی را آنچنان گسترش یافت که چین و روسیه و ایران اگر صدها میلیارد دالر مصرف می‌کردند نمیتوانستند چنین وضع ضد امریکایی را بوجود آورند. منطقه و جهان حتی دوستان امریکا حالا به پابندی امریکا به تعهدات ناباور شدند، این حالت شکست امریکارادریک منظره بد نمایش داد.

۶- ماین برای مردم؛ خلای قدرت، بسته شدن بازار، نداشتن قدرت خرید و پول، بسته شدن مارکیت پولی، فرار و مهاجرت به گونه وحشت آور.

۷- ماین برای تحصیلات عالی و تحصیل کرده‌ها؛ حالا یکبار دیگر تحصیل کردن که با شور و شوق زیاد در افغانستان آغاز شده بود، رنگ باخت و تحصیل کرده زمان تحصیل اش را بیهوده خواند، تعداد زیادی باید در کشورهای دیگر به کارهای دیگری باید بپردازند. احیای مفکوره تحصیلات عالی هدف بزرگ باید باشد، زخمی شد و مرهم گذاری بر آن زمان دراز را ضرورت خواهد داشت.

به این ترتیب خواب و خیال جایزه نوبل و جایزه صلح واشنگتن برای مثلث نقش بر آب شد. از همه اولتر برای داکتر خلیل‌زاد که بسیار نزدیک به سکوی قهرمانی رسیده بود توسط داکتر غنی (احمدزی) ضربه فنی شد، درد آور است. /

این خاین ملی واجنت بیگانه اخیراً در مجلسی در دویی دایر ساخت و پشتونهارا مدیون خود شمرد (متن کامل گزارش مجلس در همین شماره امید درج است.) باید یادآور شد که باهمه این توطئه های این دشمنان خاک و مردم، خاینین ملی و دزدان فراری بدانند که پیروزی طالبان در حقیقت زوال آنهاست. از روزی که طالبان مزدور کابل را گرفتند نابودی آنها شروع شد. این آغاز قدرت نه بلکه آغاز نابودی آنهاست. امروز در سراسر کشور نفرت و انزجار بی پایان در برابر این گروه طاغوتی ایجاد شده و نابودی آنها امر حتمی است.

مردم غیور کشور هرگز تسلیم به بیگانگان و مزدوران خم نمیکند و در طی تاریخ در برابر آنان قیام کرده، سروخون داده اند. مسعود بزرگ راه مبارزه و مقاومت در برابر مهاجمان و مزدوران شان برای فرد فرد این سرزمین با نثار خون پاک خود آموخته است. امروز دختران تمام کشور با شهامت در برابر شیدان پاکستان و مزدوران ایستاده اند که در تاریخ دیده نشده و تحسین و شادباشهای جهان را کمایی نمودند. طالبان مزدور همراه با قوای کوماندوی پاکستان همدست شده اند تا مقاومتی را که احمدشاه مسعود اساس گذاشته است، بشکنند. ولی باهمه قدرت و توان طاغوتی نیست و نابود شدنی اند و سبلی ناامیدی حواله چهره های کشیف شان خوردنی است!

جبهه مقاومت ملی در پنجشیر خنجرى است که هر ساعت و هر لحظه در قلب عمران خان فرو میرود. دیر یا زود شمشر فرزندان فداکار وطن بر تارک سر نظامیان پاکستان خواهد خورد و شکست ننگین فوج پاکستان را در جلال آباد در مغزهای گندیده شان تازه میسازد. امروز اگر فهم دشتی قهرمان دشمن شکن و جنرال داوود زره مجاهد کم نظیر شهید شدند، قطرات خون آنها مقاومت جدید را در میان مردم بوجود آورد، و فرزندان مبارز این سرزمین در سراسر کشور به رهبری آمرجوان احمد مسعود برای آزادی و آزادی قوی و قویتر میشود. ان شاء الله تعالی! /